

بخش الحاقی

□ مروری بر زندگی برخی از کادرهای سازمان

○ حسین احمدی روحانی^۱

وی، که به اختصار حسین روحانی خوانده می‌شود، در سال ۱۳۲۰ در مشهد به دنیا آمد. پس از اتمام تحصیلات متوسطه، در دانشکده کشاورزی کرج مشغول به تحصیل شد و در همانجا با محمد حنیف نژاد آشنا گردید. در دوران دانشجویی با انجمن اسلامی دانشجویان همکاری داشت و به خاطر علائق مذهبی و سیاسی به نهضت آزادی و آثار مهندس بازرگان متمایل بود.

روحانی از نخستین کسانی بود که به عضویت سازمان درآمد و به سرعت مدارج رشد تشکیلاتی را طی کرد. او معزف مسعود رجوی به سازمان و مسئول اولیه او نیز بود. پس از تشکیل «گروه ایدئولوژی»، وظیفه نگارش جزوه «متدلوژی» - که بعدها به شناخت معروف شد - به او محول گردید که در ویرایش نهایی، حنیف نژاد مطالبی را در پی نوشت فصول کتاب اضافه کرد.

در جریان مذاکره با نمایندگان «الفتح»، تمهید هواپیمارمایی از دویی و ایجاد هماهنگی با نیروهایی که از ایران به جنبش فلسطین می‌پیوستند، حسین روحانی در کنار تراب حق شناس نقش فعالی داشت و سال‌ها مسئول سازمان در خارج از کشور بود. در جریان ضربه شهریور ۱۳۵۰ وی در لبنان و فرانسه به سر می‌برد و مسئولیت سازماندهی مجدد کادرهای خارج از کشور را به عهده گرفت؛ به خصوص که یقینی

۱. خلاصه پرونده‌ها...: احمدی روحانی، حسین. یادداشت‌های حسین روحانی: بخش‌هایی که به زندگی خودش مربوط است.

و نجات حسینی نیز در زندان بیروت بودند. وضعیت تشکیلاتی حسین روحانی را، در مقاطع پس از ضربه شهریور، در فصل‌های آتی دنبال خواهیم کرد.

○ نصرالله اسماعیل زاده^۱

نامبرده در ۱۳۱۹ در تهران به دنیا آمد. پس از تحصیلات متوسطه به دانشگاه تهران وارد شد و در رشته فیزیک دانشکده علوم به تحصیل پرداخت و با موفقیت تا سطح فوق لیسانس ادامه داد. در دوران دانشجویی با ناصر صادق آشنا شد و در سال ۱۳۴۶ توسط وی به محمد حنیف نژاد معرفی گردید. در دوران مقدماتی عضویتش در سازمان، مستقیماً زیر نظر حنیف نژاد، سیر مطالعات ایدئولوژیک و سیاسی لازم را طی کرد. در سال ۱۳۴۷ تحت مسئولیت ناصر سماواتی قرار گرفت و پس از طی مراحل مختلف آموزشی، خود به عنوان کادر مسئول، آموزش چند تن از اعضای سازمان را عهده‌دار شد.

در نیمه دوم سال ۱۳۴۸ و در آستانه سازماندهی جدید سازمان (سه شاخه‌ای شدن) به عضویت مرکزیت ۱۰ نفره درآمد و در کنار شش تن دیگر،^۲ جزو اولین جمعی بود که علاوه بر حنیف نژاد، سعید محسن و بدیع‌زادگان به رهبری جمعی سازمان رسید. عضویت اسماعیل زاده در مرکزیت چند ماهی بیش نپایید و در سال ۱۳۴۹، با گرفتن مأموریتی از طرف شرکت تلفن (محل اشتغالش)، عازم فرانسه و آلمان شد. در آنجا بجز مأموریت اداری، بنا به وظیفه‌ای که از سوی سازمان و شخص حنیف نژاد به وی محوّل شده بود، با شمس‌الدین مجابی - از مؤسّسین سازمان دانشجویان مسلمان ایرانی و از رابطین سازمان در خارج از کشور - ارتباط برقرار کرد، در جلسات کنفدراسیون دانشجویان ایرانی شرکت نمود و در بازگشت گزارشی از وضعیت کنفدراسیون به سازمان ارائه داد. وی در این سفر با حسین روحانی نیز هماهنگ بود و ارتباطاتی را تنظیم کرد.

در بازگشت، از مرکزیت کناره گرفت و سرانجام در ۳۰ مهرماه ۱۳۵۰ دستگیر و به دو سال زندان محکوم گردید.

۱. یادداشت‌های حسین روحانی: ص ۵۱. خلاصه پرونده‌ها...: اسماعیل زاده، نصرالله.

۲. محمود عسکری زاده، بهمن بازرگانی، علی باکری، ناصر صادق، حسین روحانی و علی میهن دوست. اسماعیل زاده آخرین نفری بود که به مرکزیت سال ۴۸ پیوست.

○ بهمن بازرگانی^۱

بهمن بازرگانی در سال ۱۳۲۲ در ارومیه در میان خانواده‌ای فقیر به دنیا آمد. تحصیلات عالی را در تهران گذراند و مدرک مهندسی راه و ساختمان را از دانشکده فنی دانشگاه تهران اخذ کرد. در دوران تحصیل با علی باکری و ناصر صادق آشنا شد و از طریق آنها در سال ۱۳۴۴ به محمد حنیف‌نژاد معرفی گردید؛ و در واقع چند ماه پس از تشکیل سازمان، به عضویت آن درآمد و به زودی در سطح مسئولان قرار گرفت.

در سال ۱۳۴۷ مسئولیت تعلیماتی شاخه تبریز را به عهده گرفت؛ و در اوایل سال ۱۳۵۰ مسئول مطالعه اجتماعی منطقه آذربایجان و عشایر منطقه گردید. در همین دوران، مطالعه منطقه‌ای کردستان را، به عنوان حوزه‌ای مساعد برای جنگ چریکی، سامان داد. برادرش محمد بازرگانی نیز توسط وی به سازمان معرفی گردید که در بهار سال ۱۳۵۱ اعدام شد.

سرانجام بهمن بازرگانی، در اوایل شهریور ماه ۱۳۵۰، به هنگام خروج از محل کارش، دستگیر گردید و پس از طی دوران بازجویی به حکم دادگاه نظامی شاه - با یک درجه تخفیف - به حبس ابد محکوم شد. وی از سال ۱۳۵۱ در زندان تهران مارکسیست شد ولی با توافق مرکزیت زندان سازمان، تغییر ایدئولوژی خود را علنی نکرد. بعدها به زندان مشهد منتقل گردید و در سال ۱۳۵۴، پس از افشای تغییر ایدئولوژی مرکزیت سازمان در بیرون از زندان، وی نیز مارکسیست شدن خود را اعلام داشت. درباره نقش او در روند دگردیسی ایدئولوژیک مجاهدین خلق، مسائلی شایع بوده است که به گفته خود وی، اغلب توسط مسعود رجوی اشاعه یافته تا این دگرگونی را انفرادی، مجزا و مستقل از جوهر التقاطی ایدئولوژی سازمان جلوه دهد.

○ محمد بازرگانی^۲

محمد بازرگانی در سال ۱۳۲۵ در ارومیه متولد شد. پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی و متوسطه در زادگاه خویش، در سال ۱۳۴۴ برای ادامه تحصیل به تهران آمد و در مدرسه عالی بازرگانی مشغول تحصیل دوره لیسانس شد. وی با مشاهده تبعیضات اجتماعی و فقدان آزادی در جامعه و نیز تحت تأثیر

۱. خلاصه پرونده‌ها...: بازرگانی، بهمن. گفت و گوها: بهمن بازرگانی.

۲. خلاصه پرونده‌ها...: بازرگانی، محمد. زندگی‌نامه مجاهدین...: صص ۴۲-۴۵.

فعالیت‌های جبهه ملی دوم و نهضت آزادی ایران، به فعالیت‌های سیاسی روی آورد. محمد توسط برادرش بهمن به محمد حنیف نژاد معرفی شد و به عضویت سازمان مجاهدین خلق درآمد. وی ابتدا تحت مسئولیت ناصر سماواتی و سپس علی باکری، مراحل آموزشی را طی کرد و بعدها خود مسئولیت تعلیماتی چندتن از اعضای سازمان از جمله فرهاد صفا، کاظم ذوالانوار و محمدعلی رحمانی جهرمی را عهده‌دار شد.

در اواخر تیر ماه ۱۳۴۹، به اتفاق رضا رضایی، برای گذراندن دوره آموزش چریکی، از راه دویی به امان - پایتخت اردن - و بیروت رفت ولی به دلیل محدودیت زمانی موفق به گذراندن دوره چریکی نشد. پس از بازگشت به ایران، به همراه ناصر صادق، مسئولیت «گروه تدارکات» سازمان را به عهده گرفت. وی در اواخر سال ۱۳۴۹ به مرکزیت سازمان راه یافت و مسئولیت «گروه الکترونیک» را نیز عهده‌دار شد. سرانجام در اول شهریور ماه ۱۳۵۰ دستگیر شد و پس از طی دوران بازجویی، در دادگاه نظامی شاه به اعدام محکوم گردید که حکم مزبور در ۳۰ فروردین ۱۳۵۱ اجرا شد.

○ علی (بهروز) باکری^۱

علی باکری در سال ۱۳۲۲ در میاندوآب متولد شد. در سال ۱۳۴۱ موفق شد با رتبه اول در رشته مهندسی شیمی دانشکده فنی دانشگاه تهران پذیرفته شود. از همان ابتدای دوران دانشجویی، تحت تأثیر جریاناتی چون جبهه ملی دوم و نهضت آزادی و نیز فاجعه ۱۵ خرداد قرار گرفت. با داشتن زمینه مذهبی، به مطالعه کتاب‌های مهندس بازرگان و ناصر مکارم شیرازی روی آورد؛ و در سال‌های دوم و سوم دانشگاه به جریان نهضت آزادی جلب شد.

باکری در اواسط سال ۱۳۴۴، با معرفی ناصر صادق، در کلاس‌های مطالعاتی که توسط سعید محسن اداره می‌شد شرکت کرد و از این طریق بود که اولین تماس‌های وی با سازمان برقرار گشت. وی در سال ۱۳۴۵، با کسب رتبه اول، فارغ‌التحصیل شد؛ و در همان حال، ضمن تدریس در دانشگاه، تا اواخر سال ۱۳۴۷ فقط به کار مطالعاتی و بحث و بررسی موضوعات مختلف عقیدتی و سیاسی پرداخت. از ابتدای سال ۱۳۴۸ به عضویت کادر مرکزی سازمان درآمد؛ و در واقع پس از بنیانگذاران و شخص اصغر

۱. زندگی‌نامه مجاهدین...: صص ۱۴-۱۷. خلاصه پرونده‌ها...: باکری، علی.

بدیع‌زادگان، نخستین عضوی بود که به مرکزیت راه یافت.

باکری در تاریخ پنجم مرداد ماه ۱۳۴۹، به اتفاق **رضا رضایی**، در تربت حیدریه مورد سوءظن مأموران انتظامی قرار گرفته بازداشت شد ولی پس از مدت کوتاهی آزاد گردید. در اواسط سال ۱۳۴۹ از شغل خویش استعفا داد و به عنوان ادامه تحصیل، با اخذ گذرنامه رسمی، از راه دویی به بیروت رفت. در آنجا در مورد نحوه تعلیمات نظامی اعضای سازمان با مسئولان جنبش «الفتح» مذاکره کرد. پس از آن، در اواخر سال ۱۳۴۹، به منظور شناسایی سازمان‌ها و گروه‌های مبارز در خارج از کشور، به اتفاق **اصغر بدیع‌زادگان** وارد فرانسه شد. در پاریس، ضمن تماس با مسئول سازمان در آنجا یعنی **حسین روحانی**، به اتفاق **بدیع‌زادگان** مدارک و اسناد مربوط به حزب توده، سازمان انقلابی، توفان و جبهه ملی را جمع‌آوری و تلخیص نمود؛ که سرانجام دو نفر فوق به این نتیجه رسیدند که ایجاد ارتباط رسمی با این سازمان‌ها به صلاح تشکیلات نیست. در همانجا، **علی باکری** به اتفاق **حسین روحانی** چند بار با سفارت چین و چند کشور سوسیالیستی دیگر - مانند کوبا و شوروی - تماس برقرار کردند که تنها توانستند نثریاتی را از آنان دریافت دارند.

باکری در اردیبهشت ماه ۱۳۵۰ از پاریس به بیروت بازگشت و با مشورت **مشکین فام**، مقادیری اسلحه و مهمات تهیه کرد. در تیرماه همان سال، مستقیماً از بیروت به ایران آمد و اسلحه و مهمات تدارک شده را به صورت قاچاق وارد کرد. وی مشروح جریانات و بحث‌های خارج از کشور را به کادر مرکزی سازمان ارائه داد. در ارتباط با مسئولیت قبلی خود، به عنوان سرپرست «گروه شیمی»، جزوه‌ای نیز درباره مواد منفجره تدوین نمود. سرانجام در ششم شهریور ماه ۱۳۵۰ در منزل یکی از دوستانش دستگیر شد. پس از گذراندن دوره بازجویی، در دادگاه نظامی رژیم به اعدام محکوم گردید که حکم صادره در ۳۰ فروردین ۱۳۵۱ به اجرا درآمد.

○ **علی اصغر بدیع‌زادگان**^۱

اصغر بدیع‌زادگان در سال ۱۳۱۹ در اصفهان، در یک خانواده متوسط شهری، متولد شد. دوره تحصیلات ابتدایی را در اصفهان و کرج و دوره دبیرستان را در تهران گذراند. از سال ۱۳۳۷ در رشته

۱. خلاصه پرونده‌ها... بدیع‌زادگان، علی اصغر. زندگی‌نامه مجاهدین...: صص ۱۰-۱۳.

مهندسی شیمی دانشکده فنی دانشگاه تهران آغاز به تحصیل کرد. وی، که از دوران دبیرستان با مسائل سیاسی مأنوس بود، از بدو ورود به دانشگاه به فعالیت‌های سیاسی منظم کشیده شد. دوران تحصیل دانشگاهی **بدیع‌زادگان** با آغاز فعالیت‌های جبهه ملی دوم و نهضت آزادی مقارن بود. وی ضمن شرکت در میتینگ‌های جبهه ملی و فعالیت در بخش دانشجویی آن، به طور منظم در جلسات «مسجد هدایت» شرکت می‌کرد و از شنوندگان تفسیرها و سخنرانی‌های آیه‌الله **طالقانی** بود؛ و همزمان در جلسات سخنرانی مهندس **بازرگان** نیز حاضر می‌شد. آشنایی وی با **محمد حنیف نژاد** و **سعید محسن** در همین دوران پیش آمد.

پس از پایان دوره دانشکده، در اواخر سال ۱۳۴۱، برای خدمت وظیفه به پادگان سلطنت‌آباد - کارخانجات مهمات سازی ارتش - رفت و در همانجا نیز استخدام شد. پس از آن، در سال ۴۳، پس از ۸ ماه اشتغال در کارخانه‌ای دیگر، به عنوان استادیار شیمی به استخدام دانشکده فنی دانشگاه تهران درآمد. در حدود سال ۱۳۴۵ از سوی **سعید محسن** به همکاری با گروه دعوت شد و بدین ترتیب در ارتباط تشکیلاتی با سازمان مجاهدین خلق قرار گرفت. وی از نخستین کسانی بود که به سازمان پیوست ولی برخلاف آنچه در مدارک و نوشته‌های سازمان ذکر شده، از بنیانگذاران نبود. فعالیت‌های نخستین وی بیشتر مطالعاتی بود.

تا اوایل سال ۱۳۴۷، که **بدیع‌زادگان** به جمع مرکزی سازمان پیوست، در چند نوبت عهده‌دار کلاس‌های تعلیماتی شد. از جمله افرادی که در این کلاس‌ها تحت مسئولیت و آموزش وی قرار داشتند، **محمد سیدی کاشانی** (بابا)، **عبدالضمد ساجدیان** و **نصرالله اسماعیل‌زاده** بودند. با ورود **بدیع‌زادگان** به مرکزیت سازمان، وی در کنار **محمد حنیف‌نژاد**، **سعید محسن**، **بهمن بازرگانی** و **علی باکری** قرار گرفت. در اواخر سال ۱۳۴۸، چنانکه گذشت، کادر رهبری به دنبال بحث‌ها و تبادل نظرهای متوالی، تصمیم به اعزام تعدادی از اعضا به خارج از کشور، جهت آموزش و طی دوره چریکی گرفت. در مرداد ماه ۱۳۴۹، **بدیع‌زادگان** با گرفتن مرخصی از دانشکده به پاریس رفت و تا پایان خرداد ماه ۱۳۵۰ که به ایران بازگشت، مسئولیت فعالیت‌ها و هماهنگی‌های سازمان در خارج از کشور (فرانسه، لبنان، اردن) را به عهده داشت.

وی در آغاز، پس از دو ماه توقف در پاریس، به بیروت و سپس امان رفت. **بدیع‌زادگان**، در پی اطلاع از دستگیری شش تن از اعضا در دوی، **عبدالرسول مشکین‌فام** را جهت ایجاد ارتباط و کسب آگاهی

بیشتر به دوی فرستاد، که ماجرای «هوایماریایی» را به دنبال داشت.

در جریان تعلیم افراد اعزامی توسط «الفتح» محدودیت امکانات و مشکلات دیگری بروز کرد که **بدیع‌زادگان** را واداشت به دنبال منابع آموزشی و پایگاه‌های دیگری باشد؛ از این رو در اواخر پاییز ۱۳۴۹ به همراه **علی باکری** به فرانسه رفت تا همکاری چین و الجزایر را جلب کند. سفر مزبور ثمری نداشت و این دو تن در اواخر اسفند همان سال به سوریه بازگشتند و زمینه تمرکز افراد اعزامی را در اردوگاه‌های آموزشی «الفتح» در سوریه فراهم کردند. در همین زمان، وی دوره‌های تعلیماتی تیراندازی و ساختن مواد منفجره را گذراند.

وی در اوایل تیر ماه ۱۳۵۰ به ایران بازگشت و چند قبضه اسلحه و مقداری فشنگ نیز با خود آورد؛ ضمناً از بدو ورود، «گروه شیمی» سازمان را با همفکری **علی باکری** به راه انداخت. چندی نگذشت که سازمان ضربه خورد و دستگیری‌های وسیع شهریور ۵۰ پیش آمد. در پی این حادثه، مسئولیت‌های سنگینی بر دوش **حنیف‌نژاد** و **بدیع‌زادگان** - رهبران بازداشت نشده - قرار گرفت. مسئولیت ارتباط با خارج از کشور و انعکاس دستگیری‌ها و تلاش‌های تبلیغاتی برای اقدام سازمان‌های حقوقی بین‌المللی، به دوش **بدیع‌زادگان** بود.

در رهبری سازمان، به منظور آزاد ساختن دستگیرشدگان، طرح ربودن «شهرام پهلوی‌نیا» فرزند اشرف پهلوی در دستور کار قرار گرفت. عملیات این طرح به طور ناموفق اجرا شد؛ **بدیع‌زادگان** وظیفه کرایه اتومبیل عملیات و رانندگی آن را به عهده داشت و دیگر افراد مجری طرح عبارت بودند از: **حنیف نژاد**، **مشکین فام** و **سیدی کاشانی**. قبلاً **بدیع‌زادگان** لیست اسامی حدود ۵۰ نفر زندانی (که شامل سی و چند نفر مجاهد و چند تن از چریک‌های فدایی می‌شد) به بیروت فرستاده بود تا در صورت موفقیت عملیات گروگانگیری شهرام، کادر رهبری خارج از کشور نیز برای آزاد کردن زندانیان هماهنگ عمل کند. در درگیری ماجرای ربودن شهرام، از طریق اتومبیلی که توسط **بدیع‌زادگان** کرایه شده بود، وی در پنجم مهر ماه ۱۳۵۰ توسط اطلاعات شهربانی دستگیر شد و زیر شکنجه‌های شدیدی قرار گرفت؛ در حالی که در اثر سوزاندن بدنش، حالت نیمه‌فلج پیدا کرد. پس از تحویل به ساواک، در دادگاه نظامی رژیم به اعدام محکوم گردید و حکم مزبور در چهارم خرداد ۱۳۵۱ در میدان تیر چیتگر به اجرا درآمد.

○ کریم تسلیمی^۱

کریم تسلیمی در سال ۱۳۲۷ در بندرگز متولد شد. دوران دبیرستان را در تهران، دبیرستان هدف، گذراند و از همان زمان به مطالعه کتب و نشریات علاقه‌مند بود. به وسیله دوستانش با آثار و اندیشه‌های مهندس بازرگان و نهضت آزادی آشنا شد و همین مطالعات، از او فردی مذهبی و مشتاق فعالیت‌های سیاسی ساخت.

در ابتدا با همین مطالعات و علایق، از طریق یکی از جمع‌های مطالعاتی با ناصر سماواتی آشنا شد و توسط وی به سازمان پیوست؛ و تا آبان ماه ۱۳۴۷ تحت مسئولیت سماواتی قرار داشت. از این تاریخ مستقیماً زیر نظر مرکزیت سازمان به فعالیت پرداخت و خود مسئولیت آموزش چند تن از اعضا را به عهده گرفت. به دلیل مسئولیت‌هایش در سازمان و در روند «حرفه‌ای» شدن مبارزه، بعد از سال سوم دانشکده، تحصیل را رها ساخت.

در خرداد ماه ۱۳۴۹، همراه با پنج تن از اعضا و به عنوان مسئول آنها، از طریق قاچاق به دوبی رفت تا در جریان اعزام افراد به اردوگاه‌های فلسطینی قرار گیرند. پس از رسیدن افراد به دوبی و تهیه پاسپورت جعلی برای ایشان، خود به ایران بازگشت ولی بعد از ماجرای هواپیمارمایی، با احتمال شناسایی‌اش، نزدیک به پنج ماه مخفی زندگی کرد و در همین مدت - در غیاب بدیع‌زادگان - مسئولیت «گروه شیمی» سازمان را به عهده داشت.

مدت کوتاهی در آخرین مرکزیت قبل از ضربه شهرپور عضویت یافت که کنار گذاشته شد. پس از ضربه و کشف خانه‌های تیمی سازمان، در مراجعه به یکی از این منازل، در ششم شهریور ماه ۱۳۵۰ دستگیر شد و توسط دادگاه نظامی رژیم به ۱۰ سال زندان محکوم گشت.

○ سید مرتضی (تراب) حق شناس^۲

حق شناس در سال ۱۳۲۱، در یک خانواده مذهبی و روحانی، در جهرم متولد شد. پس از تحصیلات سیکل اول متوسطه در جهرم، از سال ۱۳۳۶ به مدت سه سال در قم به تحصیل علوم دینی مشغول بود و ضمناً دیپلم خود را به صورت متفرقه گرفت. از سال ۱۳۳۹ به تحصیل رشته دبیری زبان انگلیسی در

۱. خلاصه پرونده‌ها...: تسلیمی، کریم.

۲. همان: حق شناس، سید مرتضی. یادداشت‌های حسین روحانی: مواضع مختلف.

دانشسرای عالی تهران (دانشگاه تربیت معلم) پرداخت. در سال آخر تحصیل در دانشسرا، در دانشکده حقوق دانشگاه تهران نیز پذیرفته شد و در آنجا ادامه تحصیل داد. در دوران دانشجویی جزء اعضای فعال انجمن اسلامی و از طرفداران نهضت آزادی بود. در روند ایجاد ارتباط بیشتر بین دانشجویان مسلمان و روحانیون مترقی نیز، در کنار محمد حنیف‌نژاد و سعید محسن، نقش فعالی داشت. مجموعه فعالیت‌های علنی وی در صحنه سیاسی، باعث شد که ساواک نسبت به وی حساسیت پیدا کند. حق شناس، به طور رسمی، از مهر ماه ۱۳۴۳ به عنوان دبیر در دبیرستان‌های صومعه‌سرا (در گیلان) مشغول به تدریس شد. وی توسط سعید محسن در جریان امر قرار گرفت و به همکاری با سازمان دعوت ولی در سال ۴۷ به طور کامل وارد سازمان شد. از سال ۱۳۴۸ شغل خود را رها نمود، مخفی شد و به دلیل تسلط به زبان‌های عربی و انگلیسی ترجمه اخبار رادیوهای عربی، اخبار جنبش فلسطین به خصوص «الفتح» و جزوات و نشریات انقلابی را عهده‌دار شد. در اوایل سال ۱۳۴۹ به همراه دو تن دیگر، برای تمهید و تدارک خروج و آموزش اعضای سازمان، به قطر رفت و با «الفتح» تماس گرفت. یک بار هم در ابوظبی گرفتار و زندانی شد. در جریان هواپیمارمایی و گرفتاری نه تن از اعضا در بغداد، حامل نامه آیه الله طالقانی به امام خمینی (ره) بود. پس از ضربه شهریور، از مسئولان خارج از کشور سازمان بود و به دلیل تسلط به زبان خارجی، اغلب در روابط عمومی و تبلیغات فعال بود.

○ مسعود رجوی^۱

مسعود رجوی در سال ۱۳۲۷ در طیس متولد شد. پدرش در مشهد دفتردار ثبت اسناد و املاک بود.

سال آخر دبیرستان وارد انجمن مبارزه با بهائیت شد (انجمن حجتیه). و سپس در سال ۱۳۴۵، در رشته سیاسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی قبول شد و در خرداد سال ۱۳۵۰ فارغ‌التحصیل شد. در سال ۴۶ در سن ۱۹ سالگی توسط حسین احمدی روحانی که قبلاً در جلسات انجمن حجتیه شرکت می‌کرد به سازمان معرفی شد و پس از اینکه مدتی تحت سرپرستی بهمن بازرگانی بود به محمد حنیف‌نژاد سپرده شد تا در گروه ایدئولوژی همکاری کند و سپس در بخش سیاسی و تبلیغات به کار گرفته

۱. همان: رجوی، مسعود.

شد. وی به عنوان مترجم هیئت اعزامی به الفتح، به اردن سفر کرد و پس از بازگشت در فروردین سال ۱۳۵۰ به رده دوم کادر مرکزی راه یافت. او در بازجویی تاریخ دستگیری خود را بعد از ظهر ۱۳۵۰/۶/۴ ذکر کرده است ولی در کارت بازداشتگاه متهمین، تاریخ بازداشت او ۱۳۵۰/۵/۱ یعنی حدود یک ماه قبل از بازداشت سایرین ذکر شده است. این سند اولین بار در سال ۱۳۵۹ در داخل کشور، و سپس در سال ۱۳۷۹ و ۱۳۸۰ توسط خود سازمان در نشریه مجاهد، چاپ خارج، منتشر گردیده است.^۱ به گواهی اسناد باقیمانده از بازجویی‌های وی، نامبرده اطلاعات مفصلی در مورد کادرها و اعضای بازداشت نشده و بازداشت شده به همراه کروکی محل اقامت آنها در اختیار ساواک قرار می‌دهد و پیرو این همکاری، ارتشبد نعمت‌الله نصیری رییس وقت سازمان امنیت، خطاب به دادرسی ارتش، مسعود رجوی را از «همکاران» ساواک معرفی کرده که «در جریان تحقیقات کمال همکاری را در معرفی اعضای سازمان مکشوفه به عمل آورده و اطلاعاتی که در اختیار گذارده از هر جهت در روشن شدن وضعیت شبکه مزبور مؤثر و مفید بوده.» نصیری در ادامه همین نامه که تاریخ آن ۵۱/۱/۱۹ می‌باشد، همچنین تأکید می‌کند که مسعود رجوی «پس از خاتمه تحقیقات نیز در داخل بازداشتگاه همکاری‌های صمیمانه‌ای با مأمورین به عمل آورده لذا به نظر این سازمان [ساواک] استحقاق ارفاق و تخفیف در مجازات را دارد» این موضوع در مطبوعات آن زمان نیز منتشر گردید. روزنامه کیهان در خبر اعدام چهارتن از اعضای سازمان و عفو مسعود رجوی نوشت: «چون در جریان تعقیب کمال همکاری را در معرفی اعضای جمعیت [سازمان مجاهدین] به عمل آورده و در داخل زندان نیز برای کشف کامل شبکه با مأمورین همکاری نموده به فرمان مطاع مبارک شاهانه کیفر اعدام او با یک درجه تخفیف به زندان دائم با اعمال شاقه تبدیل گردیده است.»^۲

در کتب و نشریات رسمی سازمان پس از انقلاب همواره تأکید می‌شود که به علت فشار بین‌المللی و اقدامات برادرش (کاظم رجوی) که ساکن سوئیس بود، اعدام وی لغو گردید. بهمن بازگانی با اشاره به انعکاس خبر همکاری رجوی با ساواک در زندان و عکس‌العمل تشکیلات داخل زندان می‌گوید: «... در زندان قصر مسائل مختلفی بود. بچه‌های پایین تر مثل رضا باکری، مهدی خسروشاهی، موسی خیابانی، عباس داوری و فتح‌الله خامنه‌ای، مرکزیتی در داخل زندان درست کرده بودند و مسعود رجوی را کنار

۱. مجاهدش ۲۹/۱/۱۳۵۹، ص ۲ و ۳۱/۲/۱۳۵۹، ص ۱۹ و ۳۱/۲/۱۳۵۹، ص ۱۳.

۲. روزنامه کیهان، ۳۰ فروردین ۱۳۵۱، شماره ۸۶۲۷، ص ۲.

گذاشته بودند. مسعود رجوی یک اقدام به خودکشی هم کرده بود - هر چه بود - جدی نبود و اصلاً وسیله‌ای مؤثر برای آن کار در دسترس نبود. در مجموع به خاطر تمام مسائل، بچه‌ها رجوی را از مرکزیت داخل زندان کنار گذاشته بودند. چیزی که برای من عجیب بود، این بود که چرا این قدر به رجوی برخورد کرده بود.^۱ رجوی در ۳۰ دیماه ۱۳۵۷ به همراه جمع کثیری از زندانیان آزاد شد.

○ رضا رضایی^۲

رضا رضایی در سال ۱۳۲۶ در خانواده‌ای مذهبی به دنیا آمد. در دوران تحصیل در دبیرستان با وقایعی چون اعتصابات دانش‌آموزی و فاجعه ۱۵ خرداد مواجه شد و انگیزه‌های سیاسی و مذهبی - توأماً - در وی تقویت گشت. از سال پنجم دبیرستان در جلسات «مسجد هدایت» شرکت می‌کرد و در همین جلسات بود که همراه با برادرش احمد رضایی، ابتدا با تراب حق‌شناس و سپس با سعید محسن آشنا شد. در سال ۱۳۴۵ وارد دانشگاه تهران شد و در دانشکده دندانپزشکی به تحصیل پرداخت. در همان سال با علی باکری آشنا شد و پس از بحث و بررسی درباره مسائل سیاسی و ایدئولوژیک به عضویت سازمان درآمد. از سال ۱۳۴۹، ضمن ورود به مرکزیت، در «گروه سیاسی» به فعالیت پرداخت. از جمله وظایف او در این دوران، مسئولیت تعلیمات و آموزش «جعل اسناد» بود. رضا، ضمن فعالیت در سازمان، در جلسات سخنرانی دکتر شریعتی در «حسینیۀ ارشاد» نیز شرکت می‌کرد؛ وی آنچنان مجذوب دکتر بود که او را سازنده افکار و عقاید اسلامی خود می‌دانست.

در مرداد ماه ۱۳۴۹ رضا رضایی به همراه محمد بازرگانی، برای فراگیری تعلیمات چریکی به جنوب امان رفت و در شهریور ماه همان سال بازگشت. مدتی نیز مسئول ارتباط سازمان با خارج از کشور بود. رضا رضایی در سوم شهریور ماه ۱۳۵۰ دستگیر شد و در تاریخ ۵۰/۸/۲۷ با هماهنگی ساواک از زندان آزاد شد. مفاد اسناد ساواک با آنچه توسط سازمان عنوان شده مغایر است؛ که به این موضوع و جزئیات آن در فصل‌های آتی خواهیم پرداخت.

۱. گفت و گوها: بهمن بازرگانی.

۲. خلاصه پرونده‌ها...: رضایی، رضا.

○ ناصر سماواتی^۱

ناصر سماواتی در سال ۱۳۱۵ در تهران متولد شد. تحصیلات متوسطه را به دلیل وضع خانوادگی نامساعد و گرفتاری‌های شغلی (تراشکاری و اشتغال در کارخانجات مسلسل سازی ارتش) نیمه‌تمام گذارد. در جریانات سال‌های ۱۳۲۹-۳۲ از طرفداران دکتر مصدق و نهضت ملی بود. در سال ۱۳۳۸، پس از چهار سال ترک تحصیل، موفق به گرفتن دیپلم دبیرستان شد و در ۱۳۴۰ در رشته مکانیک دانشکده پلی‌تکنیک دانشگاه تهران آغاز به تحصیل کرد.

در دانشگاه به عضویت انجمن اسلامی دانشجویان درآمد و با ناصر صادق و علی باکری، که بعدها به سازمان پیوستند، مراوده پیدا کرد. در سال ۱۳۴۴ فارغ‌التحصیل شد و بلافاصله در شرکت برق تهران استخدام شد. در نیمه دوم همان سال به عضویت سازمان درآمد و طی سال‌های بعد، بسیاری از گروه‌های مطالعاتی را سرپرستی کرد؛ تا اینکه در سال ۱۳۴۹ در «گروه اطلاعات» سازمان، مسئولیتی را به عهده گرفت.

پس از ضربه شهریور، در مهر ماه ۱۳۵۰ در تدارک عملیات انفجار دکل‌های برق شرکت کرد که پیش از عملیات دستگیر شد. پس از دستگیری، در دی ماه ۱۳۵۰، در جریان مصاحبه تلویزیونی «پرویز ثابتی» - مقام امنیتی - او نیز مصاحبه کوتاهی انجام داد که عبارت از شرح دستگیری و توضیح در مورد عملیات ناکام گروگان‌گیری شهرام پهلوی‌نیا بود. در دادگاه نظامی رژیم، ابتدا به حبس ابد محکوم گردید ولی در اواسط سال ۱۳۵۱ مدت محکومیتش به سه سال تقلیل یافت و سرانجام در مهر ماه ۱۳۵۳ آزاد شد.

○ ناصر صادق^۲

ناصر صادق در سال ۱۳۲۴ در تهران، در یک خانواده خوشنام مذهبی، متولد شد. پدرش عضو هیئت امنای مسجد هدایت و از دوستان آیه‌الله طالقانی و مهندس بازرگان بود. دوره متوسطه را در دبیرستان مروی گذراند و از همانجا فعالیت‌های مذهبی - سیاسی خود را آغاز کرد؛ و ضمن شرکت در جلسات آیه‌الله مهدوی کنی در «مسجد جلیلی» و آیه‌الله طالقانی در «مسجد هدایت»، انجمنی با نام «دین و دانش» در دبیرستان ایجاد نمود.

۱. همان: سماواتی، ناصر. روزنامه کیهان، ش ۸۵۵۳، ۲۶ دی ۵۰: صص ۱ و ۱۸.

۲. خلاصه پرونده‌ها...: صادق، ناصر. زندگی‌نامه مجاهدین...: صص ۱۰۰-۱۰۴.

مروری بر زندگی برخی از کادرهای سازمان ● ۴۴۳

در سال ۱۳۴۲ در رشته مکانیک دانشکده فنی دانشگاه تهران پذیرفته شد و در حین تحصیل به فعالیت‌های گذشته خود ادامه داد. در مهر ماه ۱۳۴۴ با محمد حنیف نژاد آشنا شد و از این طریق به سازمان راه یافت؛ وی از نخستین اعضای این تشکیلات بود.

در سال ۱۳۴۶، پس از فارغ‌التحصیل شدن از دانشگاه، برای خدمت وظیفه به شیراز رفت و در طی سکونت در آنجا مسئولیت شاخه شیراز سازمان را عهده‌دار شد. در ۴۹-۱۳۴۸، پس از پایان سربازی، به تهران بازگشت و به همراه محمد بازرگانی مسئولیت «گروه تدارکات» را به عهده گرفت. در بهار سال ۱۳۵۰، از طریق ارتباط با یکی از عوامل نفوذی ساواک، به نام شاهمراد دلفانی، مقداری اسلحه به طور قاچاق تهیه کرد؛ که سبب شد تیم‌های تعقیب و مراقبت ساواک به کشف خانه‌های تیمی سازمان موفق شوند و ضربه شهرپور وارد آید.

ناصر صادق در اول شهریور ماه ۱۳۵۰ دستگیر شد و در دادگاه نظامی رژیم شاه به اعدام محکوم گردید که حکم صادره در ۳۰ فروردین ماه ۱۳۵۱ به اجرا درآمد.

○ محمد (محمود) عسکری زاده^۱

عسکری زاده در سال ۱۳۲۴، در یک خانواده مذهبی، در اراک متولد شد. دوره متوسطه را در دبیرستان مروی تهران گذراند. در مروی با ناصر صادق همکلاس بود. در سال ۱۳۴۳ درخواست تحصیل در دانشگاه «پاتریس لومومبا» در مسکو^۲ را داد اما در همان سال در مدرسه عالی بازرگانی تهران قبول شد و مشغول به تحصیل گردید. در اوایل ورود به دانشگاه، به علت فقر مادی، به کارهایی مانند تدریس ریاضیات یا ترجمه مقالاتی برای مجلات اقتصادی دست زد؛ چندی هم خبرنگار مجله «تهران اکونومیست» بود.

از اواخر سال ۱۳۴۴ به مطالعات سیاسی علاقمند شد. در سال ۱۳۴۶ با ناصر صادق و سعید محسن آشنا و به پیشنهاد آنها وارد سازمان شد؛ و شروع به مطالعه در زمینه‌های سیاسی و عقیدتی نمود. از اواخر سال ۱۳۴۶ به مطالعه کتب اقتصادی کلاسیک و مارکسیستی و بعضاً کتب فلسفی به خصوص در زمینه‌های ماتریالیسم دیالکتیک روی آورد. کتاب اقتصاد به زبان ساده را در سال ۱۳۴۸ و در ادامه این

۱. زندگی‌نامه مجاهدین...: صص ۶۱-۶۴. خلاصه پرونده‌ها...: عسکری زاده، محمود.

۲. تحصیل در این دانشگاه ویژه دانشجویان کشورهای جهان سوم بود و هزینه‌ای نداشت.

مطالعات نوشت. مدتی مسئول شاخهٔ تبریز بود و از سال ۱۳۴۹ وارد مرکزیت سازمان شد. در همان سال به وسیلهٔ ساواک تبریز احضار شد و از وی در زمینهٔ ارتباط با چند تن از اتباع خارجی (روس‌ها) در محل کارش - کارخانهٔ ماشین‌سازی تبریز - و در خصوص درخواستش برای تحصیل در دانشگاهی در مسکو توضیحاتی خواسته شد؛ که او علت درخواست تحصیل را فقر مادی و رایگان بودن تحصیل در آنجا قید کرد.

در این سال، وی مسئول «گروه اطلاعات» در سازمان شد و با همکاری افرادی نظیر لطف‌الله میثمی، ناصر سماواتی، رضا باکری و مهدی فیروزیان به کار گردآوری اطلاعات رسیده از سایر اعضای سازمان پرداخت؛ این اطلاعات پیرامون اماکن مربوط به آمریکایی‌ها و اسرائیلی‌ها و اعضای ساواک، سوءاستفاده‌های مالی گردانندگان رژیم و نیز اطلاعاتی در مورد بعضی شخصیت‌های سیاسی بود. وی در آغاز شهریور ماه ۱۳۵۰ در منزل محمد بازرگانی و به اتفاق موسی نصیر اوغلو خیابانی دستگیر شد. دادگاه نظامی رژیم، او را به اعدام محکوم کرد. حکم مزبور در چهارم خرداد ماه ۱۳۵۱ به مورد اجرا گذاشته شد.

○ سید شمس‌الدین مجابی^۱

وی در سال ۱۳۱۸ در قزوین متولد شد. پس از اخذ دیپلم متوسطه، در دانشکدهٔ پلی‌تکنیک تهران پذیرفته شد و در رشتهٔ مهندسی مکانیک به تحصیل پرداخت. در سال ۱۳۴۱ به عضویت نهضت آزادی درآمد و در جلسات آن شرکت کرد. در اوایل سال ۱۳۴۲ به علت فعالیت در نهضت دستگیر شد و پس از چند ماه به علت ابتلا به بیماری قلبی آزاد گردید. این دومین دستگیری او در طول یک سال بود.^۲ پس از آزادی از زندان، تقاضای صدور گذرنامه و سفر استعلاجی به انگلستان را نمود که ساواک موافقت کرد. مدتی پس از خروج از کشور و انجام معالجات، از انگلستان به فرانسه رفت و با بورسیهٔ دولت فرانسه به ادامهٔ تحصیل پرداخت؛ و در همانجا با یک فرانسوی ازدواج کرد. در سال ۱۳۵۰ موفق به اخذ درجهٔ دکتری در رشتهٔ ترمودینامیک و مکانیک تطبیقی شد و ضمن اقامت در پاریس در مؤسسه‌ای

۱. خلاصه پرونده‌ها...: مجابی، سید شمس‌الدین. برادر نامبرده سید ضیاء‌الدین بعدها حین درگیری با ساواک، با سیانور خودکشی کرده است.

۲. بازداشت اول به دلیل مظنونیت به پخش اعلامیه صورت گرفت و چند روز بیشتر طول نکشید.

تحقیقاتی به کار مشغول گشت.

در طول اقامت در فرانسه، علاوه بر عضویت در اتحادیه دانشجویان ایرانی مقیم فرانسه، فعالیت‌های سیاسی خود را در مجموعه طرفداران جبهه ملی و نهضت آزادی در اروپا ادامه داد. در سال ۱۳۴۸ به اتفاق چند تن از همفکران خود «سازمان جوانان مسلمان گروه فارسی زبان» را تشکیل داد و نشریه مکتب مبارز را منتشر کرد.

اصغر بدیع‌زادگان، عضو رهبری سازمان مجاهدین خلق که از دوره دانشجویی با مجابی آشنا بود، در سفری به فرانسه در سال ۱۳۴۹ از مجابی خواست که در رابطه با سازمان فعال باشد؛ از این سال به بعد، شمس‌الدین مجابی رابط سازمان در اروپا شد. علاوه بر بدیع‌زادگان، علی باکری، حسین روحانی و نصرالله اسماعیل‌زاده نیز طی سفرهای خود، با مجابی در ارتباط بودند.

○ عبدالرسول مشکین فام^۱

عبدالرسول مشکین فام در سال ۱۳۲۴ در شیراز متولد شد. دوره متوسطه را در زادگاه خویش گذراند و سپس وارد دانشکده کشاورزی کرج شد. در سال دوم دانشکده، پس از درخواستی که برای بورسیه دانشگاه «پاتریس لومومبا» در مسکو کرد، به شهربانی احضار شد - که مشکل مزبور پس از توضیح و انصراف وی رفع شد.

در سال ۱۳۴۴ در نمازخانه دانشکده با حسین روحانی آشنا شد؛ به واسطه همین شخص به جلسات سعید محسن راه یافت و از این طریق به سازمان مجاهدین خلق پیوست. پس از پایان تحصیل، در سال ۱۳۴۶ برای خدمت وظیفه به کردستان رفت و در طول مدتی که در آنجا بود، تحقیقاتی در زمینه‌های روستایی و تبعات اصلاحات ارضی انجام داد که بعدها در سازمان تدوین و منتشر شد.

در اوایل سال ۱۳۴۹، بنا به تصمیم مرکزیت سازمان، مشکین فام به همراه فتح‌الله (ارژنگ) خامنه‌ای و تراب حق‌شناس، برای ایجاد زمینه مناسب جهت اعزام اعضای سازمان به خارج از کشور، به طور قاچاق، به دوبی رفت؛ و از آنجا با پاسپورت جعلی به امان عزیمت کرد. در این اثنا از دستگیری شش تن از اعضا در دوبی مطلع شد و به آنجا بازگشت. وی و حسین روحانی و سید محمد (صادق) سادات دربندی

۱. همان: مشکین فام فرد، عبدالرسول. زندگی‌نامه مجاهدین...: صص ۲۴-۲۸.

در تاریخ ۱۸ آبان ماه ۱۳۴۹ هواپیمای حامل زندانیان را، که عازم ایران و تحویل زندانیان به رژیم بود، ربودند و به عراق هدایت کردند. این ۹ تن در عراق به زندان افتادند و پس از تحمل شکنجه و استنکاف از همکاری با رژیم بعثی، با اعلام حمایت «الفتح» از زندان آزاد شدند و به سوریه رفتند.

مشکین فام در دو پایگاه (در اردن و سوریه) دوره آموزشی نظامی چریکی را طی کرد و پس از مدتی، از طریق ترکیه، به ایران بازگشت. در پی دستگیری جمعی از اعضا در شهریور ماه ۱۳۵۰ و فاش شدن اسامی برخی از دیگر افراد سازمان، با همراهی حنیف نژاد و بدیع‌زادگان و سیدی کاشانی در طرح ناموفق ربودن شهرام - پسر اشرف پهلوی - شرکت کرد و به مضروب کردن یک نفر متهم شد. سرانجام در مهر ماه همان سال دستگیر، بازجویی و شکنجه شد و طبق حکم دادگاه نظامی شاه، در چهارم خرداد ماه ۱۳۵۱ اعدام گردید.

○ علی میهن دوست^۱

علی میهن دوست در سال ۱۳۲۴ در یک خانواده مذهبی در قزوین به دنیا آمد؛ و تنها فرزند خانواده بود. در دوران دبیرستان، مدتی در انجمن ضد بهائیت فعالیت داشت و در همان اوقات، با کتاب‌های مهندس بازرگان نیز آشنایی پیدا کرد.

پس از پایان دوره متوسطه، به تهران آمد و در دانشکده فنی دانشگاه تهران مشغول به تحصیل شد. در نیمه دوم سال ۱۳۴۴ توسط ناصر صادق به جلسات مطالعاتی سازمان جذب گردید و در سال ۱۳۴۵ عضو تشکیلات شد. در سال ۱۳۴۸، همزمان با تشکیل «گروه ایدئولوژی»، به عنوان عضو فعال این گروه، مسئولیت نگارش تکامل - کتاب دوم ایدئولوژی - را به عهده گرفت. میهن دوست در سال ۱۳۴۹ وارد کادر مرکزی سازمان شد و چندی هم مسئولیت شاخه‌های اصفهان و مشهد را عهده‌دار بود.

پس از ضربه اول شهریور ۱۳۵۰، توسط ساواک شناسایی شد و از این رو متواری گردید. سرانجام در مهر ماه ۱۳۵۰، ساواک موفق شد او را در منزل یکی از بستگانش در تهران دستگیر کند.

پس از طی دوره بازجویی توأم با شکنجه، دادگاه نظامی رژیم شاه علی میهن دوست را به اعدام محکوم کرد که در ۳۰ فروردین ماه ۱۳۵۱ حکم مزبور به اجرا درآمد.

۱. زندگی‌نامه مجاهدین...: صص ۱۸-۲۰. خلاصه پرونده‌ها...: میهن دوست، علی.

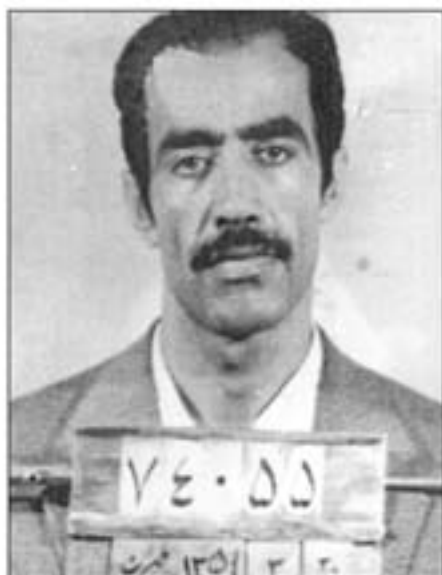
مروری بر زندگی برخی از کادرهای سازمان ● ۴۴۷



اصغر بدیع زادگان



محمد بازرگانی



نصرالله اسماعیل زاده



ناصر صادق



علی یاکری

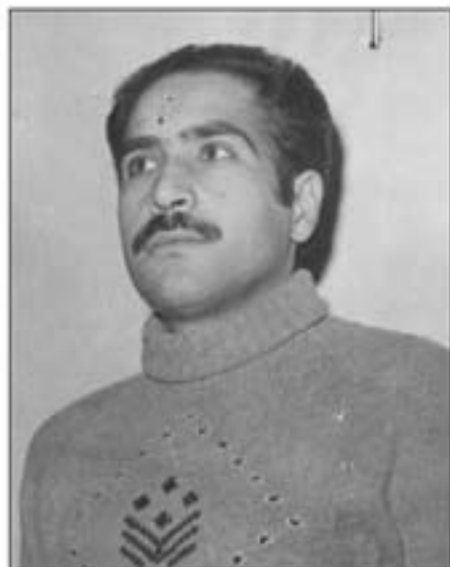


محمود عسگریزاده



عبدالرسول مشکین فام

مروری بر زندگی برخی از کادرهای سازمان ● ۴۴۹



علی مبین دوست



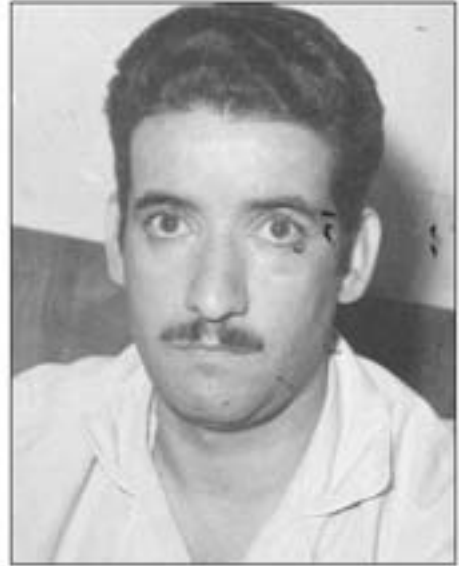
کریم نسیمی



حسین احمدی روحانی



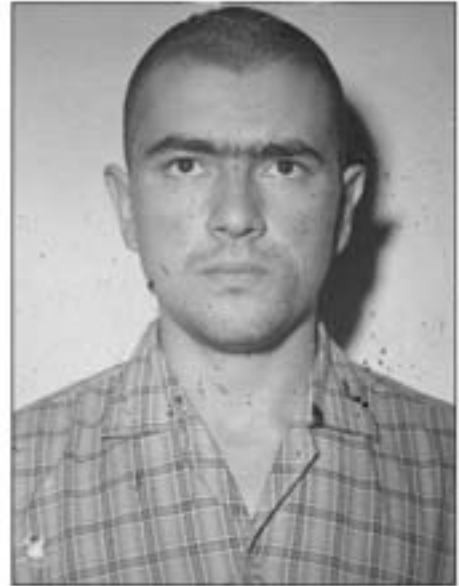
شمس الدین مجیدی



ناصر سماواتی



مرتضی حق شناس



مسعود رجوی

متنی که در پی می‌آید، تحلیل و گزارشی است که مقامات ساواک برای دفتر ویژه و شخص شاه تهیه کرده‌اند. اهمیت این متن، علاوه بر مشخص ساختن دیدگاه‌های دستگاه امنیتی، بدان خاطر است که جزئیات دقیقی از اطلاعات مربوط به سازمان را در خود دارد. بعد از این متن، گزارش‌های چند سری دستگیری‌ها و فهرست افراد متواری نیز درج شده‌اند.

□ تحلیل کلی رژیم، پس از ضربه ۱۵۰

عده‌ای از عناصر معتقد به ایدئولوژی اسلامی بر مبنای سوسیالیسم، با ایجاد سازمانی به نام «سازمان آزادی‌بخش ایران»، فعالیت‌های مخرب و مضره‌ای را آغاز [کردند] که هدف آن واژگون نمودن رژیم کشور، از طریق جنگ‌های مسلحانه چریکی، بوده است.

این گروه، طی مدت فعالیت‌های خود، که قریب هفت سال به طول انجامید، اقدامات دامنه‌داری در زمینه جلب عناصر جدید، تهیه اسلحه و مهمات، ساختن مواد منفجره و محترقه - ایجاد رابطه با سازمان الفتح (جبهه آزادی‌بخش فلسطین)، دولت بعثی عراق، کنفدراسیون دانشجویان ایرانی مقیم اروپا و اخذ کمک از آنها، به عمل آورده و قسمت‌هایی از فعالیت‌های این گروه عبارت از ربودن هواپیما از دوبی به عراق، حمله مسلحانه به والاگهر شهرام پهلوی‌نیا و قصد ربودن معظم‌له - که منجر به کشته شدن کارگری که به کمک والاگهر شهرام آمده بود [شد] و همچنین تخریب دکل‌های برق واقع در جاده کن همزمان با برگزاری جشن دوهزار و پانصدمین سال بنیانگذاری شاهنشاهی ایران بوده است.^۲

۱. بولتن ویژه، ش ۸۲۲۵، تاریخ ۵۰/۱۰/۶؛ «درباره: کشف و دستگیری اعضای سازمان آزادی‌بخش ایران».

۲. این تخریب صورت نگرفت و عوامل آن، قبل از عملیات، زخمی و دستگیر شدند.

○ وضعیت تشکیلاتی این گروه

بر مبنای اعترافات متهمین دستگیر شده و همچنین مدارک مکشوفه در این گزارش، طی قسمت‌های: سازمان و تشکیلات، هدف و انگیزه اصلی از تشکیل سازمان آزادی‌بخش ایران، برنامه آموزش و تعلیمات، ارتباط با خارج از کشور، قدرت مالی و نحوه تهیه وسایل و تأمین امکانات و بالاخره فعالیت در زمینه ربودن هواپیما - شخصیت‌ها و همچنین عملیات تخریبی و تبلیغاتی، به شرح ذیل می‌باشد:

۱- سازمان و تشکیلات:

«سازمان آزادی‌بخش ایران»، که دارای امکانات وسیع و مجهز و افراد ورزیده‌ای بوده و اقدامات آنها کاملاً زیربنایی [بوده] و وضع سازمان «الفتح» را الگوی تشکیلات خود قرار داده و از لحاظ ایدئولوژیک معتقد به اصول مذهبی بر پایه سوسیالیسم می‌باشند و توسل به جنگ پارتیزانی را برای نیل به این مقصود لازم دیده‌اند، دارای کادر رهبری مرکب از ۱۰ نفر به اسامی «محمد حنیف‌نژاد»، «سعید محسن»، «ناصر صادق»، «مسعود رجوی»، «اصغر بدیع‌زادگان»، «علی میهن‌دوست»، «علی باکری»، «محمد عسکری‌زاده»، «بهمن بازرگانی» و «محمد بازرگانی»^۱ - که هر یک از اعضای کادر رهبری، حوزه‌ای را اداره می‌کرده‌اند - می‌باشد.

علاوه بر حوزه‌های حزبی، سازمان مذکور گروه‌هایی به شرح زیر را داشته است:

گروه فنی؛ که وظیفه آن ساختن وسایل خرابکاری از قبیل نارنجک، کوکتل مولوتف، میخ‌های ویژه برای پنجر کردن لاستیک اتومبیل، تهیه اتومبیل و اسناد و مدارک جعلی بوده است.

گروه اطلاعات؛ که وظیفه آن جمع‌آوری اخبار و اطلاعات به منظور تهیه نشریه و اعلامیه و توزیع آن بین افراد سازمان آزادی‌بخش و استفاده در طرح‌ها و برنامه‌های بعدی بوده است.

گروه تبلیغات؛ که وظیفه آن تهیه اعلامیه و نشر آن در جوامع داخلی و خارجی، به منظور تضعیف و تخطئه حکومت بوده است..

۱. علاوه بر این ده نفر، عبدالرسول مشکین‌فام و رضا رضایی نیز عضو مرکزیت سازمان بوده‌اند؛ ولی نامشان به دلایلی - که ضمن بیان تاریخچه سازمان و نیز در شرح فهرست اعضای مرکزی در سال‌های مختلف به آن اشاره کرده‌ایم - در اینجا نیامده است.

تحلیل کلی رژیم،... ● ۴۵۳

گروه تدارکات؛ که وظیفه اصلی این گروه تهیه و تدارک پول، اسلحه و مهمات برای سازمان بوده است. گروه تسلیحات؛ که وظیفه آن آشنا ساختن اعضا به فنون نظامی، استفاده از اسلحه و مواد منفجره و محترقه و همچنین آموزش جودو و کاراته به افراد بوده است.

گروه الکترونیک؛ که افراد این گروه عهده‌دار ساخت و تعمیر وسایل ارتباطی و برقی بوده است. این سازمان، علاوه بر تهران که سازمان وسیعی داشته، در شهرستان‌های اصفهان، شیراز، مشهد، کرمانشاه، تبریز، کرمان و بانه دارای تشکیلات بوده که مستقیماً زیر نظر کادر رهبری در تهران اداره می‌شده؛ و در هر شهرستان یک نفر به عنوان سرپرست تشکیلات انتخاب شده بود که سایر افراد می‌بایست زیر نظر او فعالیت نمایند.

۲- هدف و انگیزه از تشکیل سازمان آزادی‌بخش ایران

برای روشن شدن هدف و انگیزه از تشکیل سازمان موصوف، قسمت‌هایی از اعترافات متهمین دستگیر شده - عیناً - درج می‌شود.

«سعید محسن»، از جمله افراد کادر مرکزی، در مقابل این سؤال می‌نویسد:

... بعد از جریانات سال‌های ۴۱-۳۹ و مشاهده وضع مملکت و ناراحتی‌های مردم از وضع موجود، با کمک محمد حنیف‌نژاد، در فکر از بین بردن تبعیضات افتاده و [تصمیم گرفتیم] بر مبنای شناخت واقعی جهان، موقعیت انسان و روابط انسان و اجتماع را مبنی بر اصول مساوات و برادری استوار نماییم.

پیاده کردن اصل مساوات و برادری، که هرگونه بهره‌کشی انسان از انسان را محکوم می‌کند، مشکل سیاسی - ایدئولوژی ما بوده و برای نیل به چنین هدفی، حرکت تمام افراد جامعه ضروری است؛ بدین جهت، به وجود آمدن جنگ ژوئن [۱۹۶۷] اعراب و اسرائیل، فکر جدید را در ما زنده کرد و آن، اعتقاد به تغییر و اصلاح جامعه، با استفاده از نحوه انقلابی و ایجاد جنگ چریکی بود...

«موسی نصیر اوغلی خیابانی»، یکی از اعضای ورزیده و دوره دیده در اردوگاه «الفتح»، در این زمینه

اظهار می‌دارد:

... هدف این بوده که اجتماعی تشکیل دهیم که در آن فقر و فساد نباشد؛ و عقیده داشتیم که باید با هرگونه استعمار و استثمار مبارزه کرده و برای نیل به آن، بایستی با رژیم موجود مبارزه کرده؛

و نتیجه‌ای که می‌خواستیم بگیریم، این بوده که یک رژیم دیگر مطابق نظرات و ایده‌های خودمان برقرار کنیم...

«محمد بازرگانی»، از افراد کادر مرکزی و مسئول امور تدارکات، می‌گوید:
...ایدئولوژی ما اسلام بوده و هدف نهایی آن، پیشبرد هدف‌های عالیة اسلامی؛ و راه رسیدن به این هدف، در شرایط فعلی، مبارزه مسلحانه بوده که قصد عمل کردن آن را داشتیم...

«علی باکری»، از افراد کادر مرکزی و مسئول گروه فنی، ضمن اشاره به مبارزات احزاب و دستجات سیاسی طی سال‌های ۴۰ و ۴۱ و اثرات این‌گونه فعالیت‌ها در روحیة وی، اظهار می‌دارد:
...وقایعی که در مورد نهضت نفت و حکومت مصدق به وقوع پیوست، باعث گردید این فکر تثبیت شده در من به وجود آید که رژیم ایران مانند بسیاری از رژیم‌های دیگر جهان، وابسته به امپریالیسم آمریکا و انگلیس است و برنامه‌هایش در جهت حفظ منافع خود و امپریالیسم می‌باشد؛ بنابراین ملت همیشه تحت فشار سیاسی، فقر و بدبختی و فساد می‌باشد؛ و عامل اصلی این‌گونه درماندگی‌ها را رژیم فعلی بدانم. بنابراین، با توجه به زمینه‌هایی که از قبل داشتم، به وجود آوردن یک جامعه دموکراتیک و ایجاد وضع عادلانه، هدف و انگیزه من بود...

محمد عسکری‌زاده، از اعضای فعال سازمان مورد بحث، می‌نویسد:
... در بدو شروع به کار، فعالیت‌های من از حد مطالعه و تشکیل جلسات مذهبی تجاوز نمی‌کرد؛ و کم‌کم در اثر مطالعات بیشتر، هدف‌ها بیشتر جنبه سیاسی به خود می‌گرفت؛ و چون در اثر برخورد با جامعه و ادارات و دستگاه‌های دولتی، به این نتیجه رسیده بودیم که فساد و فحشا و بی‌عدالتی و ظلم موجود در جامعه ما از طریق وعظ و خطابه از بین نخواهد رفت و از طرفی مبارزات آوارگان فلسطینی، جهت به دست آوردن سرزمین‌های خود و همچنین جنگ‌هایی که در کشورهای مختلف، از قبیل الجزایر، به منظور آزادی و استقلال رخ داده، این فکر را در ما تقویت و تثبیت کرده که در ایران منحصراً از طریق زور و انقلاب می‌توان فحشا، فقر و بی‌عدالتی را از بین برده و یک حکومت اسلامی برقرار نمود...

۳- برنامه آموزش و نوع تعلیمات

برنامه آموزشی و نوع تعلیمات شامل دو مرحله بوده؛ مرحله اول که جنبه تئوری داشته و از نشریات و کتب مارکسیستی استفاده می‌گردیده و به صورت بحث در کلاس‌ها مطرح و پس از آماده نمودن ذهن

افراد، کتاب‌هایی که نویسندگان آنها «مائوتسه تونگ» و «چه‌گوارا» بوده و در زمینه جنگ‌های چریکی به رشته تحریر درآمده، در اختیار قرار می‌گرفت. از این مرحله به بعد، افراد می‌توانند به عنوان تعیین‌کننده خط‌مشی، روی مسائل فکر کنند و در مورد مطالب سیاسی تحلیل‌هایی بنویسند. و قسمت مهم برنامه به کار عملی تخصیص می‌یافت؛ و به طور متوسط، هر فرد روزانه یک ساعت به کار ورزش و نرمش و تمرین کشتی‌های جودو و کاراته می‌پرداخت. ضمناً افراد می‌بایست تعلیم رانندگی [اتومبیل بنمایند] و [رانندگی] موتور سیکلت را بیاموزند.

کادر مرکزی سازمان موصوف، به منظور آشنا ساختن افراد به فنون نظامی و آمادگی بیشتر جهت انجام جنگ‌های چریکی، در نظر می‌گیرد اعضای که مرحله اول آموزشی را با موفقیت به پایان رسانیده و علاقه‌مندی بیشتری دارند، جهت طی دوره، به اردوگاه‌های «الفتح» اعزام نماید. و بر مبنای این طرح، در سال ۴۹ بدو سه نفر به اسامی «رسول مشکین فام فرد»، «مرتضی [تراب] حق شناس» و «فتح‌الله [هوشمند] خامنه‌ای» را با تهیه شناسنامه و گذرنامه جعلی به دویی اعزام و متعاقباً شش نفر دیگر به اسامی «موسی نصیر اوغلی خیابانی»، «کاظم شفیع‌ها»، «جلیل سیّد احمدیان»، «محمود شامخی»، «محسن نجات‌حسینی» و «حسین خوشرو»، جهت طی دوره چریکی، با شناسنامه جعلی، به طور غیرمجاز به دویی اعزام [می‌کند] تا از آن طریق به لبنان عزیمت نمایند؛ لکن افراد اعزامی، به اتهام سرقت، به وسیله مقامات دویی دستگیر و زندانی می‌گردند. کادر رهبری گروه در صدد آزادی آنان بر می‌آیند و مبادرت به اعزام دو نفر به اسامی «محمدسادات دربند[ی]» و «حسین احمدی روحانی» و ارسال یک قبضه اسلحه کمری و هفتصد هزار ریال وجه، به منظور دادن رشوه به مقامات محلی دویی، می‌نمایند؛ ولی توفیقی حاصل نشده و دستگیر شدگان اظهار می‌دارند [که] قاضی مربوطه در دویی از خیال اخذ رشوه از آنان منصرف [می‌شود و] فقط روز تحویل شش نفر را به دولت ایران، به اطلاع آنها می‌رساند.

عدم توفیق در امر آزادی دستگیرشدگان موجب می‌گردد سه نفر از افراد اعزامی، به اسامی «رسول مشکین فام فرد» و «حسین احمدی روحانی» و «محمد سادات دربند[ی]»، با تهیه یک قبضه دیگر اسلحه در محل، طرح ربودن هواپیما را ریخته و با اطلاع از تاریخ تحویل، هواپیمایی را که شش نفر مورد بحث با آن به ایران اعزام می‌شدند، ربوده و به عراق می‌برند؛ که در این کار موفق [می‌شوند] و با تهدید خلبان هواپیما به وسیله اسلحه، او را مجبور می‌نمایند در بین راه تغییر مسیر داده و در فرودگاه عراق فرود

آید. این عده، پس از ورود به بغداد و سپردن تعهد همکاری با دولت بعثی عراق و مطمئن کردن مقامات عراقی، مبنی بر اینکه پس از مراجعت به ایران نسبت به تخریب تأسیسات، ترور و ربودن شخصیت‌ها و شروع جنگ‌های پارتیزانی در ایران اقدام خواهند کرد، به اردوگاه‌های «الفتح» در بیروت اعزام [می‌شوند] و تعلیمات را آغاز می‌نمایند.

متعاقب این جریان، سازمان آزادی‌بخش ایران ۱۰ نفر دیگر از اعضای گروه را به اسامی «محمد یقینی»، «علی باکری»، «ابراهیم آوخ»، «عبدالنبی معظمی جهرمی»، «اصغر بدیع‌زادگان»، «محمد سیدی کاشانی»، «رضا رضایی»، «محمد بازرگانی»، «مسعود رجوی» و «[لطف] علی بهپور» را جهت طی دوره به خارج از کشور اعزام [می‌نماید]؛ که نامبردگان پس از طی دوره در اردوگاه‌های «الفتح» واقع در لبنان، سوریه و اردن، در مراجعت، «اصغر بدیع‌زادگان» چهار قبضه مسلسل و سه قبضه اسلحه کمری و یکصد و پنجاه تیر فشنگ و «علی باکری» یک قبضه اسلحه کمری و تعدادی فشنگ کالیبر ۹ میلی‌متر و خفیف و حدود ۵۰۰ عدد نارنجک و بمب «گاما» ساخت اسپانیا و «نبی معظمی» سه قبضه اسلحه کمری، با جاسازی در چمدان، به ایران حمل می‌نمایند.

۴- رابطه با خارج از کشور

همان‌طور که فوقاً اشاره گردید، افراد کادر مرکزی سازمان آزادی‌بخش، جهت پیشبرد مقاصد خود، به این نتیجه رسیده بودند که بایستی ضمن تماس با سازمان چریکی «الفتح» و استفاده از نیروی آن، اعضای خود را جهت تعلیم به پایگاه‌های مربوطه اعزام دارند؛ که در این زمینه موفقیت‌هایی نیز کسب می‌نمایند. ضمناً کادر مرکزی با خارج از کشور نیز، به مناسبت‌هایی که ذیلاً به آن اشاره خواهد شد، ارتباطاتی حاصل می‌نمایند.

الف - به مناسبت فرا رسیدن جشن‌های دوهزار و پانصدمین سال بنیانگذاری شاهنشاهی، از طرف گردانندگان در مرکز به افرادی که در خارج از کشور بوده‌اند دستور داده می‌شود که هرچه زودتر به ایران بازگردند؛ و بدین منظور مبلغ هفتصد هزار ریال به وسیله آدرس‌های واسطه بانکی برای آنها به بیروت ارسال می‌شود تا مقادیری اسلحه و مهمات خریداری و ترتیب ارسال آنها را به داخل کشور بدهند. دو نفر از آنان، به اسامی «محمد یقینی» و «محسن نجات حسینی»، با تهیه تعدادی اسلحه و مهمات، با شناسنامه و گذرنامه جعلی، به وسیله شرکت هواپیمایی «پان‌آمریکن»، قصد عزیمت به ایران

را می‌نمایند که در فرودگاه بیروت توسط پلیس لبنان بازداشت و زندانی می‌گردند. متعاقب این جریان، طبق دستوری که از مرکز داده می‌شود، افراد این سازمان در بیروت با سفیر الجزایر تماس گرفته و درخواست^۱ کمک جهت آزادی دوستان خود را می‌نمایند؛ و با کنفدراسیون محصلین و دانشجویان ایرانی در اروپا نیز ارتباط گرفته و تقاضای پشتیبانی می‌کنند.

ب - پس از آنکه ربابندگان هواپیما، در یکی از اردوگاه‌های «الفتح» واقع در لبنان، مشغول تعلیمات پارتیزانی بوده‌اند، از طرف جبهه^۲ به اصطلاح ملی در خاورمیانه (حسن ماسالی - خسرو کلانتری) موجبات برقراری تماس آنان با یکی از مسئولین دفتر سازمان آزادی‌بخش فلسطین به نام «ابویوسف» فراهم [شده]؛ و در ملاقاتی که انجام گرفت، پس از یک سلسله بحث و گفت‌وگو، قرار می‌شود این تماس‌ها ادامه داشته [باشد] و به منظور مبارزه در ایران، خط‌مشی مشترک و واحدی اتخاذ شود.

پ - دو نفر از افراد گروه، که در فرانسه به سر می‌برده‌اند، در بهمن ماه سال ۴۹، ضمن مراجعت به سفارت چین کمونیست در پاریس، درخواست می‌نمایند که از طرف آن سفارتخانه نماینده‌ای تعیین تا در مورد سازمان آزادی‌بخش ایران و نیاز به اعزام افراد این سازمان به چین کمونیست جهت طی دوره‌های چریکی، با دو نفر مزبور مذاکره شود؛ لکن با وجود اینکه دوبر به سفارت چین مراجعت می‌نمایند، به آنان پاسخ داده می‌شود که «مقامات سفارت به صلاح خود نمی‌دانند که در این قبیل امور دخالت کنند».

ت - «مهندس علی باکری» با نام مستعار «بهرروز»، که دوره^۳ جنگ‌های پارتیزانی را در یکی از اردوگاه‌های «الفتح» در لبنان گذرانیده و پس از مدتی توقف در کشور فرانسه به ایران مراجعت نموده، اظهار داشته که تعداد قابل توجهی کتب و نشریات کمونیستی را با مراجعت به سفارتخانه‌های چین کمونیست، شوروی، چکسلواکی، آلبانی و کوبا در فرانسه، اخذ و در مواقع مسافرت افراد وابسته به گروه مزبور، با استفاده از جاسازی‌هایی که در چمدان و ساک دستی آنان تعبیه شده، به ایران حمل می‌شده است.

ث - در زمانی که افراد اعزامی در اردوگاه‌ها مشغول طی دوره^۴ تعلیمات بوده‌اند، یک نفر از خرابکاران کشور ترکیه که در جریان ربودن و به قتل رسانیدن کنسول اسرائیل در کشور ترکیه دخالت داشته، به نام «ابوخلیل»، با افراد مزبور تماس حاصل و پیشنهاد همکاری با خرابکاران ایرانی را می‌نماید؛ که این

۱. اصل: خواستار.

پیشنهاد مورد موافقت کادر رهبری سازمان آزادی‌بخش قرار گرفته است.

ج - «مهندس عزت‌الله سبحانی»، یکی از رهبران جمعیت به اصطلاح نهضت آزادی که سابقه محکومیت دارد و در جریان فعالیت‌های سازمان آزادی‌بخش ایران می‌باشد، پس از دستگیری افراد این سازمان، طی ارسال نامه جهت یکی از همفکران خود به نام «صادق قطب‌زاده» - یکی از سران جبهه به اصطلاح ملی سوم در اروپا - و قید اسامی عده‌ای از اعضای دستگیر شده، خواستار شده که از طریق کنفدراسیون دانشجویان ایرانی و رادیو بغداد مورد استفاده تبلیغاتی قرار گیرد؛ که بر مبنای این طرح، رادیو بغداد اسامی افراد دستگیر شده را اعلام و خواستار آزادی آنان از زندان گردیده است.

چ - پس از کشف و دستگیری اعضای سازمان مورد بحث، دو نفر از افراد کادر مرکزی به اسامی «محمد حنیف‌نژاد» و «اصغر بدیع‌زادگان» متواری [می‌شوند] و تلاش‌هایی جهت آزادی افراد دستگیر شده می‌نمایند؛ از جمله با استفاده از جوهر نامریی، [نامه‌ای] جهت یکی از اعضای خود به نام «مرتضی [تراب] حق‌شناس»، به بیروت ارسال و خواسته شده که ضمن بهره‌برداری تبلیغاتی به نفع دستگیرشدگان و علیه دولت ایران، ترتیب مراجعت بقیه اعضای گروه به ایران داده شود؛ و بر همین مبنای «حق‌شناس»، توسط «خسرو کلانتری» و مسئولین دفتر «الفتح» در بیروت، مبادرت به ارسال اسامی دستگیرشدگان جهت رادیو بغداد و سازمان «الفتح» نموده که موجب بهره‌برداری تبلیغاتی و صدور اعلامیه‌ای از طرف سازمان «الفتح» گردیده است.

۵- قدرت مالی، نحوه تهیه و وسایل و تأمین امکانات

قدرت مالی سازمان قابل ملاحظه بوده و هزینه فعالیت‌های آن، از طریق [گرفتن] حق عضویت از اعضا و اخذ کمک از بازاریان - که جمعیاً بالغ بر دویست هزار ریال در ماه می‌گردیده - تأمین می‌شده؛ و افراد متمکن گروه مذکور، هر ماه علاوه بر حق عضویت، مبالغ قابل توجهی به سازمان می‌پرداخته‌اند. سازمان مورد بحث برای اخذ تماس، تشکیل جلسات و ضبط و نگهداری وسایل و مدارک آموزشی، تعداد ۱۲ خانه امن در نقاط مختلف تهران تهیه نموده؛ و به علاوه اعضای این سازمان دو دستگاه اتومبیل، هشت دستگاه موتور سیکلت و دو دستگاه بی‌سیم، برای فعالیت‌های خود تهیه نموده بودند.^۱

۱. اصل: بوده.

همچنین سازمان موفق گردیده بود تعداد قابل توجهی اسلحه و مهمات و مقادیر زیادی مواد منفجره و محترقه، به وسیله عوامل خود در داخل و خارج از کشور، به شرح ذیل تهیه نماید:

الف - «اصغر بدیعزادگان»: ۴ قبضه مسلسل، سه قبضه اسلحه کمری، ۱۵۰ تیر فشنگ (محل تهیه: بیروت)؛

ب - «علی باکری»: یک قبضه اسلحه کمری، تعداد قابل توجهی فشنگ کالیبر ۹ و حدود ۵۰۰ عدد نارنجک و بمب «گاما» (محل تهیه: بیروت)؛

پ - «نبی معظمی»: سه قبضه اسلحه کمری (محل تهیه: بیروت)؛

ت - «ناصر صادق»: ۱۸ قبضه اسلحه کمری با فشنگ‌های مربوطه (محل تهیه: تبریز - مشهد)؛

ث - «حسین شیخ باقر قاضی»، «علی اکبر نبوی نوری» و «مرتضی [حسین] آلاپوش»: ۸۰ قبضه اسلحه کمری با سه هزار تیر فشنگ مربوطه (محل تهیه: مشهد)؛

ج - «محمد سادات دربندی»: ۳۸ لول دینامیت و مقداری فشنگ (محل تهیه: بیروت)؛

چ - «مسعود اسماعیل خانیان»: دو قبضه اسلحه کمری (محل تهیه: شهرستان بانه).

توضیح آنکه به وسیله «گروه فنی» به سرپرستی «علی باکری»، به میزان قابل توجهی، بمب‌های ساعت شمار - تی.ان.تی ساخته شده بوده که در طرح [ناموفق] تخریب دکل‌های برق مورد استفاده قرار گرفته است.

فعالیت‌های سازمان آزادی‌بخش ایران در زمینهٔ ربودن هواپیما، شخصیت‌ها، عملیات تخریبی و تبلیغاتی

قبل از آنکه اشاره به فعالیت‌های سازمان آزادی‌بخش در موارد فوق شود، ضرورت دارد مختصراً فعالیت‌های جنبی اعضای سازمان موصوف، مورد بررسی قرار گیرد. از جمله اقدامات حاشیه‌ای این سازمان عبارت [است] از:

- خرید دو دستگاه اتومبیل و هشت دستگاه موتور سیکلت، به منظور ایجاد ارتباط؛
- سرقت و خرید مقدار زیادی شناسنامه، گذرنامه، گواهینامهٔ رانندگی و کارت آزمایش؛
- شناسایی پل‌ها، مراکز حساس، کارخانجات، سینماها؛
- سرقت پلاک‌های اتومبیل؛

- مطالعه و آموزش مسائل تئوریک و امور مربوط به جنگ‌های چریکی؛
 - ترجمه کتب کمونیستی و نشریات مربوط به جنگ‌های پارتیزانی؛
 - جعل شناسنامه و گذرنامه و اسناد دیگر دولتی؛
 - کسب خبر از مراکز نظامی، به وسیله عناصری که خدمت وظیفه را انجام داده و یا در حال خدمت بوده‌اند؛
 - شناسایی محل کار و سکونت اعضای خاندان جلیل سلطنت و شخصیت‌های لشکری و کشوری، به منظور انجام طرح‌های ترور و ربودن.
- اینک به ذکر فعالیت‌های مورد بحث پرداخته می‌شود:
- همان‌طور که قبلاً اشاره شد، شش نفر از افراد سازمان جهت طی دوره چریکی در^۱ اردوگاه «الفتح»، در سال ۴۹، از طریق غیرمجاز، به دوی اعزام [می‌شوند]؛ لکن افراد اعزامی، به اتهام سرقت، به وسیله مقامات انتظامی دوی، دستگیر و زندانی می‌گردند. عدم موفقیت کادر رهبری در امر آزادی افراد دستگیر شده، موجب ریختن طرح ربودن هواپیما به وسیله سایر افراد اعزامی از جمله «مسعود رجوی» می‌گردد؛ که در صفحات قبل چگونگی ربودن هواپیما توصیف گردیده. و در اینجا ضروری است که یادآور شود ربایندگان هواپیما، پس از ورود به بغداد، توسط مقامات بعثی عراق، بازداشت [می‌شوند] ولی با وساطت «حسن ماسالی» و «خسرو کلانتری» و سپردن تعهد همکاری و مطمئن کردن مقامات عراقی (که قصد آنان پس از مراجعت به ایران تخریب تأسیسات، ترور و ربودن شخصیت‌ها و شروع فعالیت‌های پارتیزانی در ایران می‌باشد)، از زندان آزاد [می‌گردند] و تسهیلات لازم جهت عزیمت آنان به اردوگاه‌های سازمان «الفتح» فراهم می‌شود.
- پس از طی دوره آموزشی در اردوگاه، افراد به تدریج به ایران مراجعت و همکاری خود را با اعضای سازمان آزادی‌بخش ایران دنبال [می‌کنند] ولی دو نفر از افراد، به اسامی «محمد یقینی» و «محسن نجات حسینی» - که به مناسبت در پیش بودن جشن‌های دوهزار و پانصد ساله شاهنشاهی به آنان ابلاغ شده بود که با تهیه اسلحه هر چند زودتر به ایران باز گردند - در بیروت دستگیر و زندانی می‌گردند؛ و متعاقب این جریان، طبق دستوری که از مرکز داده می‌شود، افراد باقی مانده در بیروت با سفیر الجزایر در

لبنان تماس گرفته و خواستار کمک جهت آزادی دوستان خود می‌شوند؛ و با کنفدراسیون محصلین و دانشجویان ایرانی در اروپا نیز تماس گرفته و از آنها تقاضای پشتیبانی می‌کنند؛ لکن به علت عدم موفقیت در امر آزادی دو نفر موصوف و بدون نتیجه ماندن تلاش‌های آنها در بیروت و اروپا، کادر رهبری در تهران بررسی‌هایی به عمل آورده و در صدد بوده‌اند در این باره اقداماتی معمول دارند.

از جمله بررسی‌های آنها این بوده که یکی از دیپلمات‌های آمریکایی یا لبنانی را در تهران ربوده و نگهداری نمایند تا در صورتی که مقامات لبنانی تصمیم گرفتند دوستان آنها را به دولت ایران تحویل دهند، اعلام کنند [که] در صورت تحویل آنان، دیپلمات آمریکایی یا لبنانی را به قتل خواهند رسانید؛ و در صورتی که دوستان آنها، با دخالت سفیر الجزایر، آزاد شدند، در قبال آزادی دیپلمات آمریکایی یا لبنانی ربوده شده، درخواست آزادی عده‌ای از زندانیان سیاسی را بنمایند.

اعضای این گروه همچنین برای ایجاد رعب و وحشت، در جریان برگزاری جشن‌های دوهزار و پانصدمین سال بنیانگذاری شاهنشاهی ایران، قصد داشته‌اند مبادرت به ربودن برخی از والاحضرت‌ها و شخصیت‌های سیاسی و نظامی بنمایند؛ که اسناد و مدارک مربوط به شناسایی محل‌های اقامت این شخصیت‌ها، از منازل امن سازمان به دست آمده است. توضیح آنکه، ضمن مدارکی که به دست آمده، یک مدرک حاوی مشخصات برخی از والاحضرت‌ها و بیش از سیصد نفر از شخصیت‌های نظامی و افراد سرشناس مملکت می‌باشد؛ تا در صورت توفیق، در موقعیت مناسب، نسبت به اجرای طرح ترور و یا ربودن بعضی از آنان اقدام نمایند؛ و مدرک دیگر در مورد دستورالعمل‌هایی برای فعالیت اعضای این سازمان، در ایام برگزاری جشن دوهزار و پانصدمین سال بنیانگذاری شاهنشاهی ایران می‌باشد؛ و طی آن، تمام تشکیلات مربوط به این جشن - از جمله طاق‌های نصرت، تزیینات خیابان‌ها و مجسمه‌ها، دفاتر دربار شاهنشاهی - و همچنین سفارتخانه‌های آمریکا، انگلیس، آلمان غربی، اردن و تأسیسات کشور اسرائیل در ایران، جهت ایجاد خرابکاری، مناسب تشخیص داده شده است.

ضمناً خاطر نشان گردیده افرادی که برای شروع کار در جشن‌ها انتخاب می‌شوند، کارشان فقط آماده شدن جهت انجام عملیات ویژه در ایام جشن می‌باشد؛ و بقیه اعضا می‌بایست کارهای دیگر را به عهده بگیرند؛ از قبیل امور تبلیغاتی، سیاسی و تدارکاتی؛ و افزوده شده که به جهت ضعف نسبی قدرت نظامی، بایستی قدرت تبلیغاتی خوبی ایجاد [شود] تا با فعالیت تبلیغاتی و سیاسی بتوان جبران ضعف نظامی را نمود.

نظر به اینکه تعداد قابل توجهی از عناصر مؤثر سازمان از تاریخ ۵۰/۶/۱ دستگیر گردیده بودند، افراد باقیمانده به منظور نجات همفکران خویش به تلاش افتاده و مجدداً مسئلهٔ ربودن شخصیت‌های مهم سیاسی داخل و سفرای برخی از ممالک خارجی در دربار شاهنشاهی را مورد توجه قرار داده [اند]؛ و توجه آنها بیشتر روی خاندان جلیل سلطنت بوده و در صدد بوده‌اند پس از موفقیت در امر ربودن، گروگان را به فرودگاه مهرآباد منتقل و با تهدید به قتل گروگان، هواپیمایی در اختیار گرفته به الجزایر عزیمت نمایند.

تیمی که رهبری آن با «محمد حنیف‌نژاد» بوده، مأموریت شناسایی محل کار و ربودن والاگهر شهرام پهلوی‌نیا را به عهده گرفته؛ و بر مبنای این طرح، چهار نفر به اسامی «محمد حنیف‌نژاد»، «اصغر بدیع‌زادگان»، «محمد سیدی کاشانی» و «رسول مشکین فام فرد»، روز ۵۰/۷/۱، با کرایهٔ اتومبیل پیکان از «اتودلیجان» و مسلح شدن به یک قبضه مسلسل و سه قبضه اسلحهٔ کمری، در خیابان ثریا به والاگهر شهرام پهلوی‌نیا حمله [می‌کنند]؛ لیکن به علت مقاومت والاگهر شهرام و اینکه یکی از مجریان طرح (رسول مشکین فام فرد) موفق نگردیده به موقع وظیفهٔ محوئه را در مورد کشیدن والاگهر به داخل اتومبیل انجام دهد و از طرفی [به علت] تجمّع عابریں در محل و دخالت ماشین‌پا و تیراندازی «رسول مشکین فام فرد» و به قتل رسیدن ماشین‌پا،^۱ طرح با شکست روبه‌رو شده است.

عاملین اجرای طرح اظهار می‌دارند که چنانچه طرح مزبور با موفقیت روبه‌رو می‌شد، در نظر بوده که پس از انجام مذاکرات با والاگهر شهرام پهلوی‌نیا، معظمّه را به فرودگاه مهرآباد هدایت و با شناسایی‌ای که قبلاً صورت گرفته، از طریق بانده «ایرتاکسی» وارد بانده اصلی فرودگاه گردند و پس از تهدید به قتل والاگهر، خواستار گردند که هواپیمایی در اختیار آنان گذارده شود تا به مقصد الجزایر پرواز نمایند.

عناصر مذکور، که با عدم موفقیت در امر ربودن والاگهر شهرام مواجه گردیدند، شروع به تلاش‌های مذبوحانه کرده و به دستور «محمد حنیف‌نژاد»، که پس از دستگیری عده‌ای از افراد شبکه، گرداندگی را به عهده داشت - چهار نفر به اسامی «علیرضا تشیّد»، «نبی معظّمی»، «ناصر سماواتی» و «محمد سیدی کاشانی» را مأمور نموده دکل‌های برق‌رسانی را در جریان برگزاری جشن‌ها تخریب [کنند] و ضمن آن، وضعیتی به وجود آورند که به علت نبودن برق در پایتخت، در کار برگزاری جشن‌ها خلل وارد گردد.

بر مبنای این طرح، روز ۵۰/۷/۲۴ چهار نفر موردنظر، با یک قبضه اسلحهٔ کمری و مقدار قابل توجهی

۱. برخلاف متن گزارش، ماشین پای مزبور - که مأمور حفاظت بوده - زخمی می‌شود ولی زنده می‌ماند.

مواد منفجره و بمب ساعت شمار، به کوی کن عزیمت [نموده] و قصد تخریب یکی از دکل‌های برق‌رسانی واقع در کوی کن را داشته‌اند؛ که بلافاصله به وسیلهٔ مأمورین دستگیر [شدند] و حین اعزام، ضمن مقاومت در برابر مأمورین بدرقه، در صدد فرار برآمدند که به همین سبب از طرف مأمورین مبادرت به تیراندازی و منجر به مجروح شدن سه نفر از دستگیرشدگان، از نواحی دست و سینه، می‌گردد. توضیح آنکه یکی از چهار نفر افراد دستگیر شده، مهندس برق [است] و در شرکت برق منطقه‌ای تهران مشغول به کار بوده که «حنیف‌نژاد» از اطلاعات او در مورد ایجاد خرابکاری در تأسیسات استفاده نموده است. ضمناً باقیماندهٔ این گروه در نظر داشتند در هتل‌های محل اقامت میهمانان عالیقدر شاهنشاه آریامهر و علیاحضرت فرح پهلوی شهبانوی ایران، با مواد منفجره خرابکاری و نیز برخی از مؤسسات دولتی را با بمب‌های ساعتی متعددی که تهیه کرده بودند، منهدم نمایند؛ که به علت دستگیری افراد، موفقیتی در این موارد به دست نیاوردند.

مجموع اقدامات مهم این شبکه - در زمینه‌های خرابکاری، آدم‌کشی، ربودن شخصیت‌ها، ارتباط با بیگانه، جعل اسناد دولتی، تهیه و استعمال سلاح‌های غیرمجاز و دیگر اقدامات خلاف قانون اعضای آن - به شرح فوق، تا این تاریخ، تشریح گردید.

نظریه

با توجه به کیفیت فعالیت، نوع سازمان، نحوهٔ مخفی‌کاری، اسلحه و مهمات، طرز تفکر و ایدئولوژی عناصر سازمان، نامبردگان به طور کلی خائن به وطن بوده که با اخذ کمک از بیگانه، [هدف آنها] اقدام به عملیات چریکی و آغاز جنگ مسلحانه، به منظور براندازی رژیم مشروطهٔ سلطنتی، بوده است.^۱

□ سری اول دستگیری‌ها^۲

پیرو گزارش مورخ ۵۰/۴/۲۱ به استحضار عالی می‌رساند:

۱. این بولتن چون جامع‌ترین گزارش از ضربه سال ۱۳۵۰ بود، در ابتدای تحلیل کلی ساواک آورده شد. از این پس تحت عنوان سری اول دستگیری‌ها به ترتیب تاریخ بازداشت‌ها متن ادامه می‌یابد.
۲. بولتن ویژه، ش ۴۷۸۷/۴۱۲، تاریخ ۵۰/۶/۴؛ «درباره: کشف یک گروه برانداز وابسته به جمعیت به اصطلاح نهضت آزادی تحت عنوان «سازمان آزادی‌بخش ایران».

در مراقبت‌هایی که مستمراً از افراد وابسته به جمعیت به اصطلاح نهضت آزادی، که غالباً دارای افکار افراطی مذهبی و مخالف مصالح و امنیت کشور می‌باشند، به عمل آمد، اطلاعاتی به‌دست آمد که نشان دهنده آن بود که افراد سابق جمعیت مزبور دست به یک سلسله فعالیت مضره سیاسی زده و در صدد تشکیل یک گروه کاملاً مخفی می‌باشند. در پیگیری‌های بعدی تعدادی از افراد منتسب به این گروه شناسایی و فعالیت‌های آنان مشخص گردید.

چون در اثر مراقبت‌های معموله اطلاع حاصل شد که افراد شبکه مذکور در صدد انجام خرابکاری‌های وسیعی در جریان جشن‌های دوهزار و پانصدمین سال بنیانگذاری شاهنشاهی ایران می‌باشند و سرگرم آماده شدن برای اجرای این برنامه هستند، از روز ۵۰/۶/۱ شروع به دستگیری افراد گروه موصوف گردید؛ که تاکنون ۴۴ نفر از آنان در تهران و ۱۲ نفر از آنها در شهرستان‌ها دستگیر شده‌اند - که صورت اسامی افراد دستگیر شده در تهران، به ضمیمه، تقدیم می‌گردد و اسامی دستگیرشدگان شهرستان‌ها متعاقباً از عرض خواهد گذشت.^۱ [...]

صورت اسامی دستگیرشدگان

ردیف	نام خانوادگی	شغل
۱	ناصر صادق	مهندس تأسیسات از دانشکده فنی
۲	سعید محسن	لیسانسیه اقتصاد ^۲ - کارمند وزارت کشور
۳	علی باکری	مهندس شیمی
۴	مسعود رجوی	فارغ‌التحصیل دانشکده حقوق
۵	رضا رضایی	دانشجوی دندانپزشکی دانشگاه تهران
۶	محمد بازرگانی	دانشجوی بازرگانی (مدرسه عالی)
۷	محمود عسکری‌زاده	فارغ‌التحصیل مدرسه عالی بازرگانی
۸	بهمن بازرگانی	کارمند وزارت اقتصاد
۹	غلامعلی حدّاد عادل	استادیار دانشگاه ملی
۱۰	دکتر محمد میلانی	پزشک

۱. تفصیل ادامه گزارش مشابه متن بولتن قبلی به شماره ۸۲۲۵ بود که از تکرار آن خودداری شد.

۲. سعید محسن دارای مدرک لیسانس مهندسی در رشته تأسیسات بود.

ردیف	نام خانوادگی	شغل
۱۱	حسن یوسفی	دانش آموز
۱۲	حبیب مکرّم دوست	مهندس
۱۳	حسن عبدالله	دانشجوی دانشکده علوم دانشگاه تهران
۱۴	علی اکبر قائمی	دانشجوی دانشگاه صنعتی آریامهر
۱۵	مجید حدّاد عادل	دانشجوی دانشگاه صنعتی آریامهر
۱۶	محمد حقّی	دانشجوی دانشگاه پهلوی شیراز
۱۷	لطف الله میثمی	مهندس شرکت ملی نفت ایران
۱۸	شمس الدّین صادقی خامنه تبریزی	دانشجوی دانشکده فنی دانشگاه تهران
۱۹	مصطفی ملایری	دانشجوی دانشگاه صنعتی آریامهر
۲۰	محمد رضا سادات خوانساری	دانشجوی دانشگاه صنعتی آریامهر
۲۱	ناصر بازرگان	فارغ التحصیل دانشکده ادبیات دانشگاه مشهد
۲۲	ابراهیم داور	دانشجوی دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران
۲۳	هوشمند خامنه	دانشجوی دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران
۲۴	منصور بازرگان	لیسانسیه - دبیر وزارت آموزش و پرورش
۲۵	محمد حسن بیستون	راننده
۲۶	دکتر احمد طباطبایی	پزشک
۲۷	مهدی فیروزیان	مهندس تأسیسات
۲۸	محمد تقی شهرام	دپلمه ریاضی
۲۹	محمد ابراهیم جوهری	دانشجوی دانشکده پلی تکنیک
۳۰	موسی خیابانی	دانشجوی علوم دانشگاه تهران
۳۱	کاظم شفیعیها	دانشجوی دانشگاه تهران
۳۲	محمد فیاض متین	منشی دفترخانه ۱۱۹ تهران
۳۳	پرویز یعقوبی	کارمند بانک صادرات
۳۴	احمد لواسانی	کارمند مؤسسه استاندارد
۳۵	شمس الدّین صبوری	دانشجوی دانشکده فنی دانشگاه تهران
۳۶	حسین خسروشاهی	لیسانسیه - ستوان دوّم وظیفه

ردیف	نام خانوادگی	شغل
۳۷	منصور صادق	دبیرمه - گروهبان وظیفه
۳۸	محمد مصدقی راد	دبیرمه ریاضی
۳۹	دکتر عباسعلی علانی نعتی	پزشک
۴۰	سیروس صفایی	دانشجوی دانشکده فنی دانشگاه تهران
۴۱	محمد صغی نازلو	کشاورز
۴۲	نصرت ملک افشار	کارمند وزارت بهداشت
۴۳	زرتشت کریملو	کشاورز
۴۴	فتح الله خامنه‌ای	فارغ التحصیل هنرهای زیبای دانشگاه تهران

□ سری دوم دستگیری‌ها^۱

پس از کشف یک گروه برانداز وابسته به جمعیت به اصطلاح نهضت آزادی، تحت عنوان «سازمان آزادی‌بخش ایران» و بازداشت ۵۶ نفر از اعضای این سازمان در تهران و شهرستان‌ها، طی سه روز گذشته، در نتیجه تحقیقات پیگیر و مستمر از بازداشت شدگان و بر اثر ورود پنهانی و اشغال خانه‌های امن مربوط به سازمان مزبور در تهران، علاوه بر دستگیری یکی از رابندگان هواپیما - از دویی به بغداد - که در شهرستان جهرم استان فارس به طور پنهانی به سر می‌برده، تعداد هفت نفر دیگر از اعضای این سازمان، هنگام ورود به خانه‌های امن و در مخفی‌گاه‌های خود، بازداشت گردیدند. و به علاوه، شبکه سازمان مزبور در تبریز کشف و هشت نفر از اعضای آن شناسایی و نیز شبکه سازمان موصوف در کرمانشاه مورد شناسایی واقع و دو نفر از اعضای مؤثر آن بازداشت گردیدند. در اصفهان نیز شبکه وابسته به سازمان مزبور شناسایی و مسئول آن بازداشت و نسبت به شناسایی و دستگیری سایر اعضای این شبکه اقدام گردید. ضمناً یکی از افراد وابسته به سازمان مزبور، در شهرستان بانه، استان کردستان، شناسایی و دستگیر گردید.

همچنین بر اثر اعترافات متهمین و کاوش‌های معموله از خانه‌های امن اشغالی، تعداد دو قبضه دیگر سلاح کمری و یک قبضه تفنگ خفیف و مقادیر قابل توجهی فشنگ و مواد منفجره از جمله تی.ان.تی و

۱. بولتن ویژه، ش ۱۱۲/۴۹۴۴، تاریخ ۵۰/۶/۸؛ با همان عنوان.

به علاوه مقداری ابزار و ادوات و مواد شیمیایی مربوط به ساختن نارنجک و بمب ساعتی، از جاسازی‌هایی که در منازل مزبور تعبیه شده بود، کشف و ضبط گردیده است.

نتیجه تحقیقات معموله از متهمین حاکی است که:

۱- ربایندگان هواپیما از دوی به بغداد، که در فرودگاه بغداد بازداشت شده بودند، با سپردن تعهد همکاری به دولت بعثی عراق، از زندان آزاد و ضمن ملاقاتی که با «محمود پنهان» می‌نمایند قرار می‌شود که پس از گذراندن دوره چریکی و عملیات پارتیزانی، از طریق مرز آبی جنوب، وارد ایران گردند و منتظر باشند تا در تهران با آنان ارتباط برقرار و نسبت به تأمین و تحویل اسلحه و مهمات مورد نیازشان، از طرف دولت بعثی عراق، اقدام شود.

۲- هنگامی که ربایندگان هواپیما در یکی از اردوگاه‌های سازمان «الفتح» در لبنان مشغول طی دوره تعلیمات چریکی بوده‌اند، یک نفر از خرابکاران کشور ترکیه که در جریانات خرابکارانه اخیر کشور مزبور دخالت داشته است، به نام «ابوخلیل» با یکی از ربایندگان هواپیما تماس حاصل و پیشنهاد همکاری با خرابکاران ایرانی را می‌نماید؛ لکن قبول این پیشنهاد موقوف به کسب نظر کادر رهبری در ایران می‌گردد؛ که چنین پیشنهادی مورد قبول کادر رهبری قرار گرفته است.

۳- اعضای سازمان مکشوفه، به تدریج، مشخصات برخی از والا حضرت‌ها و بیش از سیصد نفر از شخصیت‌های نظامی و افراد سرشناس مملکت را تهیه کردند تا در صورت توفیق، در موقعیت مناسب، نسبت به اجرای طرح ترور یا ربودن بعضی از آنان اقدام نمایند.

۴- دستورالعمل‌هایی برای فعالیت اعضای این سازمان، در ایام برگزاری جشن دوهزار و پانصدمین سال بنیانگذاری شاهنشاهی، تهیه و در دستورالعمل‌ها تمام تشکیلات مربوط به این جشن، از جمله طاق‌های نصرت، تزئینات خیابان‌ها و مجسمه‌ها و دفاتر دربار شاهنشاهی و همچنین سفارتخانه‌های آمریکا، انگلیس، آلمان غربی، اردن و تأسیسات کشور اسرائیل در ایران، جهت ایجاد خرابکاری، مناسب تشخیص داده شده است.

ضمناً خاطر نشان گردیده افرادی که برای شروع کار در جشن‌ها انتخاب می‌شوند، کارشان فقط آماده شدن جهت انجام عملیات مخصوص در ایام جشن می‌باشد و بقیه افراد می‌بایست کارهای دیگر را به عهده بگیرند؛ از قبیل امور تبلیغاتی، سیاسی و تدارکاتی؛ و افزوده شده است که به جهت ضعف نسبی قدرت نظامی، بایستی قدرت تبلیغاتی خوبی ایجاد [شود] تا با فعالیت تبلیغاتی و سیاسی بتوان جبران

ضعف نظامی را نمود.

۵. به منظور نجات دوتن از اعضای سازمان، که به جهت حمل اسلحه در فرودگاه بیروت بازداشت شده‌اند، پیش‌بینی شده است که چنانچه دولت لبنان با تحویل آنان به ایران موافقت نماید، نسبت به اجرای طرحی برای ربودن هواپیمای حامل این دو نفر اقدام نمایند و یا [با] ربودن سفیر لبنان در تهران، موجبات آزادی دو نفر مزبور را فراهم نمایند.

۶. «گروه اطلاعات» سازمان مکشوفه، با جمع‌آوری اخبار و شایعات مختلف، مبادرت به تهیه نشریه داخلی می‌نموده که پس از بررسی و اظهارنظر و تخطئه اقدامات دولت، نشریه مزبور به منظور بهره‌برداری تبلیغاتی در اختیار اعضا قرار داده می‌شده است. ضمناً نسخه‌ای از این نشریه، از یکی از خانه‌های امن، کشف [شده]؛ که حاوی مطالبی پیرامون «محدودیت‌های معموله نسبت به روحانیون افراطی، بازداشت بقایای اعضای شبکه جنبش انقلابی ایران و اقدامات خرابکارانه آنان، مسائل کشاورزی و کارگری و دانشجویی» می‌باشد.

همچنین در این نشریه اخباری مربوط به تقویت بعضی از پادگان‌های نظامی در مناطق مرزی و پاره‌ای شایعات مربوط به امور نظامی درج و از جمله قید شده است که بخشنامه‌ای از طرف ضداطلاعات لشکر زرهی کرمانشاه به تمام واحدهای تابعه صادر [شده]، مبنی بر اینکه به تمام افسران و درجه‌داران دستور داده شود که به افراد خانواده‌هایشان سفارش کنند که از قبول بسته‌های کادو خودداری نمایند و از عنوان مطالب مربوط به امور خدمتی آنان احتراز جویند.

تاکنون ۶۷ نفر از اعضای سازمان مزبور دستگیر شده‌اند که مشخصات ۴۴ نفر از آنان قبلاً به عرض رسیده و مشخصات ۲۳ نفر دیگر، به انضمام یک جلد آلبوم حاوی نمونه‌هایی از مدارک و دستورالعمل‌های مکشوفه از خانه‌های امن، به پیوست تقدیم است.

تحقیقات از دستگیرشدگان و مراقبت از خانه‌های امن مکشوفه و اقدامات پیگیر جهت دستگیری افراد شناخته شده همچنان ادامه [دارد] و نتایج حاصله متعاقباً از عرض خواهد گذشت.

صورت اسامی دستگیرشدگان

ردیف	نام شهرت	شغل
۱	محمد(صادق) سادات دربند[ی]	کارگر چاپخانه
۲	اکبر ساطعی	مهندس آبیاری
۳	محمد اکبری آهنگر	فارغ‌التحصیل دانشکده علوم دانشگاه تهران
۴	حسن راهی	فارغ‌التحصیل هنرسرای عالی نارمک [= علم و صنعت]
۵	سلمان پارسی مود	مهندس کشاورزی
۶	مهراب آرپناهی	کارمند سازمان آب
۷	کریم تسلیمی	دانشجوی دانشکده فنی دانشگاه تهران
۸	محمد صادق	دانشجوی سال دوم دانشگاه صنعتی آریامهر
۹	غلامحسین و حیدفتحی	دانشجوی سال چهارم جغرافی دانشگاه تبریز
۱۰	نبی معظمی	مهندس
۱۱	میریعقوب حمیدی رائف	راننده
۱۲	کریم محمدتقی زاده	کفّاش
۱۳	صفر بیگ اوغلی	کفّاش
۱۴	جوادعلی پور آسیابان	کاسب
۱۵	محمود احمدی	کارمند سازمان آب تهران
۱۶	حسین مدنی	مهندس کشاورزی
۱۷	احمد حنیف نژاد	دانشجوی سال چهارم دانشکده ادبیات تبریز
۱۸	مهدی برادران خسروشاهی	کارمند تولیددارو
۱۹	داریوش حمزه‌لو	دانشجوی دانشگاه صنعتی آریامهر
۲۰	مهدی خیاط مزین	دانشجوی دانشگاه صنعتی آریامهر
۲۱	محمدعلی رحمانی	فارغ‌التحصیل دانشکده کشاورزی تهران
۲۲	محمدعلی صحرائیان	کارمند فروشگاه بزرگ ایران
۲۳	محمد غرضی	مهندس الکترونیک

□ سری سوم دستگیری‌ها^۱

صورت اسامی دستگیرشدگان

ردیف	نام شهرت	شغل
۱	عبدالصّمد ساجدیان	مربی تربیت بدنی
۲	رضا باکری	دانشجوی سال سوم دانشکده صنعتی پلی تکنیک
۳	غلامعلی مصباح	لیسانسیه حقوق
۴	مهدی مقدس	دکتر در طب
۵	محمدعلی پیرویان	مهندس
۶	مسعود اسماعیل خانیان	مهندس اداره کشاورزی بانه
۷	عباسعلی داوری فیض پورآذر	تکنسین راه آهن
۸	خلیل صحرائیان	خرّازی فروش ^۲

□ سری چهارم دستگیری‌ها^۳

صورت اسامی دستگیرشدگان

ردیف	نام شهرت	شغل
۱	علی محمّد تشیّد	دانشجوی هنرسرای عالی نارمک [= علم و صنعت]
۲	مهدی زین العابدین چرندابي	دانشجوی دانشگاه تبریز
۳	حمید بهرامی	رییس دفتر آبادانی و مسکن استان کرمان
۴	مهدی خدایی صفت	کارشناس وزارت اقتصاد

۱. بولتن ویژه، ش ۴۱۲/۵۰۲۲، تاریخ ۵۰/۶/۱۱؛ با همان عنوان. در این بولتن نام غلامحسین وحیدفتحی تکرار شده بود.

۲. نامبرده دبیر آموزش و پرورش بوده است.

۳. بولتن ویژه، ش ۱۱۲/۵۱۲۳، تاریخ ۵۰/۶/۱۵؛ با همان عنوان.

ردیف	نام شهرت	شغل
۵	فرتاش دبیران	کارمند شهرداری تهران
۶	کرمعلی شرفزاده	قاچاقچی اسلحه در منطقه خراسان
۷	ابوالفضل مرشدلو	قاچاقچی اسلحه در منطقه خراسان
۸	محمد صفرزاده	افسر وظیفه
۹	منوچهر زرین چنگ	گروهبان وظیفه
۱۰	حسین مفتاح	کارمند شهرداری تهران
۱۱	عبدالحسین معظمی	دانشجوی دانشکده علوم دانشگاه تهران
۱۲	مهدی محصل	دانشجوی سال آخر پزشکی دانشگاه شیراز

□ سری پنجم دستگیری ها

ردیف	نام شهرت	شغل
۱	محمدجواد برائی	مهندس راه و ساختمان در ذوب آهن
۲	لطفعلی بهپور	مهندس راه و ساختمان
۳	کریم رستگار	دانشجوی سال هفتم دانشکده پزشکی دانشگاه پهلوی
۴	محمدعلی آذین فر	آموزگار ناحیه ۱۲ تهران
۵	کوروش عقیقی طلب	فارغ التحصیل دانشکده کشاورزی کرج
۶	محمدرضا شمس	فارغ التحصیل دانشکده فنی دانشگاه پهلوی
۷	فرهاد صفا	فارغ التحصیل دانشکده فنی دانشگاه پهلوی
۸	حمید مشکین فام فرد	فارغ التحصیل دانشکده ادبیات دانشگاه پهلوی
۹	عبدالکریم سماوی	دانشجوی سال سوم دانشسرای عالی تهران
۱۰	حسین محصل	دانشجوی سال سوم رشته عمران دانشگاه شیراز
۱۱	کاظم حق شناس	فارغ التحصیل دانشکده ادبیات شیراز
۱۲	مهندس اصغر بدیع زادگان	مهندس شیمی استادیار دانشگاه
۱۳	حسین محمدی	دانشجوی دانشکده علوم دانشگاه تبریز

۱. وی در تاریخ ۵۰/۷/۵ توسط شهرداری دستگیر و در تاریخ ۵۰/۷/۱۲ تحویل ساواک شد.
۲. اسامی سری پنجم از بولتن های ویژه، ش ۵۱۹۶، ۱۱۴/۵۲۷۲، ۱۱۴/۵۴۰۰، ۴۱۲/۵۵۴۲، ۱۱۲/۵۸۱۴، به تاریخ های ۱۸ و ۲۲ و ۵۰/۶/۲۵، ۱ و ۵۰/۷/۸ استخراج شده است.

□ سری ششم دستگیری‌ها: گزارش کامل^۱

۱- با اقدامات همه جانبه و مراقبت‌های مداوم از اماکن مظنون به منظور دستگیری اعضای متواری گروه برانداز مکشوفه وابسته به جمعیت باصطلاح نهضت آزادی تحت عنوان «سازمان آزادیبخش ایران» طی هفته گذشته علاوه بر ۱۰۲ نفر افرادی که قبلاً بازداشت گردیده بودند ۱۴ نفر دیگر از اعضای متواری گروه مزبور در تهران، تبریز و مشهد دستگیر گردیدند که صورت اسامی آنان به پیوست تقدیم می‌گردد.

۲- علی میهن دوست یکی از افراد دستگیر شده که جزو افراد کادر رهبری گروه مزبور می‌باشد در موقع مراجعه به یکی از اماکن تحت مراقبت مأمورین غافلگیر و بازداشت گردیده است.

۳- از طرف مأمورین پاسگاه ژاندارمری کن در ساعت ۲۰۰۰ روز ۵۰/۷/۲۴ در منطقه استحقاظی به چهار نفر سرنشینان اتومبیلی که جزو افراد متواری گروه مکشوفه بودند و قبلاً نسبت به تهیه و تکثیر و ارسال عکسشان به ژاندارمری کل کشور جهت انجام مراقبت و دستگیری آنان اقدام شده بود مشکوک و با متوقف کردن اتومبیل و بازرسی‌های معموله یک قبضه سلاح کمری، چهار بسته دینامیت، دو عدد ساعت آماده به منظور استفاده در بمب ساعت شمار و مقداری دیگر مواد منفجره و وسایل لازم جهت ایجاد خرابکاری کشف و نسبت به بازداشت آنان اقدام گردیده لکن به جهت اینکه دستگیرشدگان در حین اعزام به ساواک ضمن مقاومت در برابر مأمورین بدرقه در صدد فرار برآمدند، به همین سبب از طرف مأمورین مبادرت به تیراندازی و منجر به مجروح شدن سه نفر از دستگیرشدگان از نواحی دست و سینه شده که مجروحین به بیمارستان شماره ۱ ارتش اعزام و وضع آنان رو به بهبودی است. ضمناً نفر چهارم همراه با اتومبیل و وسایل مکشوفه تحویل ساواک گردیده است.

نتیجه تحقیقات معموله حاکیست که:

محمد حنیف‌نژاد یکی از اعضای متواری کادر رهبری گروه مکشوفه که از مدت‌ها قبل در صدد ایجاد خرابکاری برآمده با تهیه طرحی در زمینه خرابکاری در دکل‌های برق منطقه غرب تهران یک هفته قبل چنین طرحی را جهت چهار نفر دستگیرشدگان مطرح و پس از جلب موافقت آنان شب قبل از ورود میهمانان عالیقدر به تهران با تهیه اتومبیل و وسایل لازم به چهار نفر مزبور مأموریت می‌دهد که نسبت

۱- بولتن ویژه به تاریخ ۵۰/۷/۲۶؛ «درباره: خرابکاری در شبکه برق‌رسانی تهران و دستگیری چهار نفر عواملی که در این خرابکاری دست داشته‌اند».

به ایجاد خرابکاری در دکل‌های برق اقدام نمایند که قبل از اجرای طرح مزبور در این منطقه دستگیر گردیدند.

ضمناً یکی از چهار نفر افراد دستگیر شده مهندس برق در شرکت برق منطقه‌ای تهران می‌باشد و حنیف‌نژاد از اطلاعات او در مورد تهیه طرح و ایجاد خرابکاری در تأسیسات برق استفاده نموده است. یکی از چهار نفر مذکور که کارمند شرکت ملی نفت ایران می‌باشد و در رأس گروه چهارنفری قرار داشته است و از جمله افرادی بوده که جهت طی دوره چریکی در سال گذشته به خارج از کشور اعزام [شده] و پس از گذراندن دوره چریکی در یکی از پایگاه‌های سازمان الفتح به کشور مراجعت نموده است. نامبرده پس از بهبودی نسبی و مساعد شدن وضع مزاجی او تحت بازجویی دقیق قرار خواهد گرفت. محمد حنیف‌نژاد به منظور حفظ افراد متواری گروه در نظر دارد مقدمات اعزام بعضی از آنان را به خارج از کشور فراهم نماید و طی ماه جاری تعدادی از متواریان را که از لحاظ میزان فعالیت در درجه سه اهمیت قرار دارند روانه شهرستان‌ها نموده تا از دید مأمورین محفوظ و به آنان توصیه نموده است که در اوائل آبان ماه سال جاری به تهران مراجعت تا تکلیفشان را از لحاظ تهیه مخفی‌گاه و یا اعزام به خارج از کشور روشن نماید.

مهندس عزت‌الله سحابی یکی از رهبران جمعیت باصطلاح نهضت آزادی که سابقه محکومیت دارد همراه با دو نفر دیگر به اسامی محمد توسلی و اسداله خالدی مهندس راه و ساختمان بر مبنای اطلاعات مکتسبه پیرامون داشتن ارتباط با افراد گروه برانداز مکشوفه و نیز برقراری ارتباط با افراد وابسته به جبهه باصطلاح ملی سوم در اروپا دستگیر گردیدند، در تحقیقات معموله ضمن اعتراف به داشتن ارتباط با بعضی از دستگیرشدگان و افراد متواری اضافه نموده‌اند که به طور کلی از جریان فعالیت‌های آنان مطلع [بوده] و پس از کشف و دستگیری اعضای گروه مزبور درصدد کمک مالی به خانواده دستگیرشدگان برآمده و به همین منظور مبلغی در حدود یکصد هزار ریال جمع‌آوری و منتظر اخذ تماس از طرف متواریان و یا افراد خانواده زندانیان جهت پرداخت این مبلغ بوده‌اند.

مهندس سحابی همچنین اظهار داشته که به منظور چاپ و انتشار دفاعیات خود و سایر محکومین وابسته به جمعیت باصطلاح نهضت آزادی در خارج از کشور ضمن مکاتبه با یکی از افراد این جمعیت در فرانسه و حواله مبلغی معادل شصت هزار ریال درخواست نموده است که فرد مزبور در این زمینه اقدام نماید.

ضمناً مهندس یادشده در نامه خود مشخصات تعدادی از دستگیرشدگان گروه مزبور و نیز مشخصات سه نفر از افراد دستگیر شده وابسته به یکی از گروه‌های کمونیستی را قید و خواستار شده است که از طریق کنفدراسیون دانشجویان ایرانی و رادیو بغداد مورد استفاده تبلیغاتی قرار گیرد.

تحقیقات از دستگیرشدگان به منظور روشن نمودن دخالت احتمالی افراد متواری، وابسته به گروه یادشده فوق در سایر طرح‌های خرابکارانه و همچنین مراقبت از اماکن مظنونی که امکان مراجعه متواریان وجود دارد همچنان ادامه [دارد] و نتایج حاصله متعاقباً از عرض خواهد گذشت.

صورت اسامی دستگیرشدگان

ردیف	نام شهرت	شغل
۱	علیرضا کاشانی	فارغ‌التحصیل دانشکده کشاورزی کرج
۲	علی میهن‌دوست	فارغ‌التحصیل دانشکده فنی دانشگاه تهران
۳	محمد توسلی	مهندس راه و ساختمان
۴	عبداله توسلی	کارمند وزارت آبادانی و مسکن
۵	یزدان حاج حمزه	کارمند وزارت آبادانی و مسکن
۶	اسداله خالدی	مهندس راه و ساختمان
۷	عزت‌اله سجابی	مهندس راه و ساختمان
۸	عبدالعلی ذوالانوار	دانش‌آموز ساکن مشهد
۹	محمدحسن سبحان‌الهی	دانشجوی دانشکده علوم تربیتی دانشگاه تبریز
۱۰	زهرا عاملی	آموزگار دبستان رفاه
۱۱	علیرضا تشید	دانشجوی دانشگاه آریامهر
۱۲	عبدالنبی معظمی	آموزگار متواری اداره آموزش و پرورش کرج
۱۳	ناصر سماواتی	مهندس برق در شرکت برق منطقه تهران
۱۴	محمد سیدی	کارمند شرکت ملی نفت ایران

□ سری هفتم دستگیری‌ها: متن کامل گزارش^۱

در نتیجهٔ پیگیری اقدامات معموله و مراقبت‌های همه‌جانبه و مداومی که نسبت به دستگیری بقایای گروه برانداز مکشوفه وابسته به جمعیت به اصطلاح نهضت آزادی تحت عنوان «سازمان آزادی‌بخش ایران» و کشف اسلحه و مهمات آنان به عمل آمد، طی هفتهٔ گذشته - علاوه بر ۱۱۶ نفر افرادی که قبلاً بازداشت گردیده بودند، «محمد حنیف‌نژاد» یکی از اعضای کادر رهبری گروه مکشوفه و مبتکر طرح ربودن والاگهر شهرام و ایجاد خرابکاری در دکل‌های برق منطقهٔ غرب تهران؛ «عبدالرسول مشکین‌فام‌فرد» یکی از ربابندگان هواپیما از دوبی به بغداد و نیز دو نفر از اعضای این گروه، که جهت طی دورهٔ جنگ‌های چریکی به خارج از کشور اعزام [شده] و پس از طی دوره در یکی از پایگاه‌های سازمان «الفتح» در سوریه، چند روز قبل به ایران مراجعت نموده بودند، به اسامی «ابراهیم آوخ» و «جلیل سیداحمدیان» و همچنین شش نفر دیگر از افراد وابسته به گروه دستگیر گردیدند که صورت اسامی ۱۰ نفر دستگیرشدگان به پیوست تقدیم می‌گردد. نتیجهٔ تحقیقات معموله حاکی است که:

۱- محمد حنیف‌نژاد پیرامون اجرای طرح ربودن والاگهر شهرام اعتراف نموده است که این طرح به منظور گرفتن گروگان، جهت آزاد ساختن دستگیرشدگان وابسته به گروه مکشوفه، به مرحلهٔ اجرا درآمده لیکن به علت مقاومت والاگهر شهرام و اینکه یکی از مجریان طرح - عبدالرسول مشکین‌فام‌فرد - موفق نگردیده به موقع وظیفهٔ محوله را در مورد کشیدن والاگهر شهرام به داخل اتومبیل انجام دهد و به جهت تجمّع عابرین و رسیدن مأمورین انتظامی، اجرای طرح با شکست روبه‌رو شده است.

حنیف‌نژاد اضافه می‌نماید که چنانچه اجرای طرح مزبور با موفقیت روبه‌رو می‌شد، در نظر بوده است که پس از انجام مذاکرات لازم با والاگهر شهرام، معظّم له را به فرودگاه مهرآباد هدایت [کنند] و با شناسایی که قبلاً صورت گرفته، از طریق «ایرتاکسی» وارد باند اصلی فرودگاه گردند و سپس ضمن تهدید به قتل والاگهر شهرام خواستار گردند که هواپیمایی در اختیار آنان گذارده شود تا به مقصد الجزایر پرواز نمایند.

ضمناً در طرح مزبور، علاوه بر حنیف‌نژاد و مشکین‌فام‌فرد دو نفر دیگر از دستگیرشدگان به اسامی

۱. بولتن ویژه، ش ۱۱۲/۶۴۳۳، تاریخ ۵۰/۸/۳.

«محمد سیّدی کاشانی» و «اصغر بدیع‌زادگان» شرکت داشته‌اند؛ که یکی از آنان مسلح به مسلسل و سایرین دارای سلاح کمری بوده‌اند.

۲- محمد حنیف‌نژاد، در مورد طرح ایجاد خرابکاری در دکل‌های برق منطقه غرب تهران همزمان با ورود میهمانان عالیقدر به تهران، اظهار داشته که با نظر محمد سیّدی کاشانی و با تهیه مواد منفجره و وسایل لازم، در صدد اجرای چنین طرحی به منظور ایجاد خاموشی در چراغانی و تزئینات مربوط به برگزاری جشن دوهزار و پانصدمین سال بنیانگذاری شاهنشاهی و بهره‌برداری تبلیغاتی برآمده؛ که چهار نفر مجربان طرح مزبور، قبل از اجرای طرح، دستگیر گردیده‌اند.

۳- یکی از دستگیرشدگان به نام «ناصر سماواتی» مهندس برق شرکت برق منطقه‌ای تهران، ضمن اعتراف به شرکت در اجرای طرح ایجاد خرابکاری در دکل‌های برق منطقه غرب تهران، اضافه نموده که مدارکی از جمله نقشه شبکه تولید برق منطقه‌ای تهران، لیست پست‌های فشار قوی تهران، محل‌های انشعاب برق اماکن ساواک در باغ مهران و سایر نقاط تهران [را] جمع‌آوری و در اختیار مسئول جمع‌آوری اطلاعات گروه مکشوفه به نام «محمود عسکری‌زاده»، که قبلاً دستگیر گردیده است، قرار داده است. ضمناً از اطلاعاتی که وی در اختیار گروه مزبور قرار داده، در تهیه طرح ایجاد خرابکاری در دکل‌ها استفاده شده است.

۴- عبدالرسول مشکین‌فام فرد، ضمن اعتراف به شرکت خود در طرح ربودن هواپیما از دوی به بغداد، اظهار داشته پس از طی دوره جنگ‌های چریکی در یکی از پایگاه‌های سازمان «الفتح» در سوریه، به ایران مراجعت نموده. نامبرده همچنین اعتراف کرده که در طرح ربودن والاگهر شهرام دخالت مستقیم داشته است.

فرد موصوف در مورد فعالیت‌های افراد وابسته به گروه مکشوفه در لبنان اظهار داشته است که یکی از این افراد به نام مرتضی حق‌شناس، پس از کشف و دستگیری اعضای گروه مزبور در تهران، نامه‌ای با جوهر نامریی از طرف محمد حنیف‌نژاد دریافت [کرد] که اسامی تعدادی از دستگیرشدگان در این نامه قید و از او خواسته شده است که ضمن بهره‌برداری تبلیغاتی به نفع دستگیرشدگان و علیه دولت ایران، ترتیب مراجعت اعضای گروه مزبور را که جهت طی دوره چریکی به لبنان اعزام شده‌اند بدهد؛ و بر همین مبنا حق‌شناس، توسط خسرو کلانتری و مسئولین دفتر «الفتح» در بیروت، مبادرت به ارسال اسامی دستگیرشدگان جهت رادیو بغداد و سازمان «الفتح» نموده که موجب بهره‌برداری تبلیغاتی و صدور

اعلامیه‌ای از طرف سازمان «الفتح» گردیده است.

۵- در بازرسی و کاوش‌های معموله از اماکنی که در اختیار محمد حنیف‌نژاد و سایر دستگیرشدگان بوده، علاوه بر تعدادی جزوات جنگ‌های چریکی و نشریات کمونیستی و مدارک قابل توجه، تعدادی سلاح و مواد منفجره که توسط افراد اعزامی به خارج از کشور تهیه و به ایران حمل گردیده است و وسایلی دیگر به شرح زیر به دست آمده که عکس‌های تهیه شده آنها به پیوست تقدیم است.

۱- سه قبضه مسلسل کالیبر ۹ [محل تهیه: دو قبضه [از بندر] عقبه و یک قبضه [از] پورت سعید] با ۴ عدد خشاب و ۱۲۰ فشنگ مربوطه؛

۲- دو عدد نارنجک؛

۳- سه قبضه سلاح کمری، از نوع گاز پیستولت؛

۴- تعداد ۲۰۰ تیر فشنگ، از انواع مختلف؛

۵- حدود ۵۰۰ عدد چاشنی الکتریکی؛

۶- مقداری تی.ان.تی و گرد آلومینیوم؛

۷- دو دستگاه فرستنده و گیرنده دستی، از نوع هرتون ساخت ژاپن؛

۸- سه عدد ساعت آماده شده، جهت استفاده در ساختن بمب ساعتی؛

۹- چند عدد کلاه گیس و وسایل گریم؛

۱۰- تعداد [ی] شناسنامه جعلی، که مورد استفاده افراد وابسته به گروه مکشوفه قرار گرفته است؛

۱۱- یک دستگاه ماشین تحریر و مقداری وسایل پلی‌کی.

تحقیقات از دستگیرشدگان و مراقبت از اماکن مظنون، به منظور دستگیری بقایای گروه یاد شده فوق کماکان ادامه دارد. نتایج حاصله متعاقباً از عرض خواهد گذشت.

صورت اسامی دستگیرشدگان

ردیف	نام	شهرت	شغل
۱	محمد حنیف‌نژاد		فارغ‌التحصیل دانشکده کشاورزی کرج
۲	عبدالرسول مشکین‌فام‌فرد		فارغ‌التحصیل دانشکده کشاورزی کرج

ردیف	نام شهرت	شغل
۳	سیدجلیل سیداحمدیان	فارغ‌التحصیل دانشکده فنی دانشگاه تبریز
۴	ابراهیم آوخ	آموزگار متواری
۵	محمد حیاتی	دانشجوی سال چهارم دانشکده علوم دانشگاه تهران
۶	نصرالله اسماعیل زاده	معاون اداره طرح و بررسی مراکز تلفنی تهران
۷	عطاءالله حاجی محمودیان	سماور فروش
۸	محمد مصباح	سماور فروش
۹	قدرت‌الله اسماعیل زاده	کارمند برق منطقه‌ای تهران
۱۰	جهانگیر حجاریان	مهندس شیمی کارخانه قند شازند اراک
۱۱	محمد رضا مالک	سرباز وظیفه ^۱

□ سری هشتم دستگیری‌ها^۲

صورت اسامی دستگیرشدگان

ردیف	اسم شهرت	شغل
۱	علی اکبر نبوی نوری	دانشجوی سال چهارم مکانیک دانشگاه صنعتی آریامهر
۲	حسین شیخ‌باقر قاضی	دانشجوی سال چهارم برق دانشگاه صنعتی آریامهر
۳	علیرضا زمردیان	دانشجوی سال چهارم دانشکده علوم دانشگاه تهران
۴	محسن طریقت منفرد	دانشجوی سال چهارم هنر سرایع‌الی نارمک
۵	هوشنگ نعیم	استادکار شرکت برق منطقه‌ای تهران
۶	ابوالقاسم رضایی	دانشجوی سال اول مدرسه عالی بازرگانی
۷	محمد طریقت منفرد	دانشجوی تکنولوژی دانشگاه تهران
۸	محمد داودآبادی	لولافروش در بازار تهران

۱. ردیف ۱۱ در بولتن، خلاصه‌تر از این گزارش به شماره ۶۳۸۲، تاریخ ۵۰/۸/۱ درج شده بود.

۲. بولتن ویژه، ش ۶۸۴۷، تاریخ ۵۰/۸/۲۴.

ردیف	اسم شهرت	شغل
۹	مهدی ابریشمچی	دانشجوی سال پنجم دانشکده علوم دانشگاه تهران
۱۰	محسن محمدنبی رودباری	دانشجوی سال پنجم دانشکده فنی دانشگاه تهران
۱۱	یوسف زمردیان	بازرگان
۱۲	حسینعلی طاهرزاده	گروه‌بان یکم قرارگاه توپخانه لشکر کرمانشاه
۱۳	مسعود زمردیان	ساعت‌فروش در بازار تهران
۱۴	محمد الهی	واسطه معاملات ملکی
۱۵	محمدحسن عبدی یزدانی	خرازی فروشی در بازار تبریز
۱۶	حسین آلاپوش	دانشجوی سال ششم هنرهای زیبای دانشگاه تهران

□ سری نهم دستگیری‌ها^۳

در تعقیب اقداماتی که به منظور دستگیری اعضای باقیمانده سازمان آزادیبخش ایران وابسته به جمعیت به اصطلاح نهضت آزادی طی یکماه گذشته صورت گرفته علاوه بر ۱۴۲ نفری که قبلاً دستگیر و بازداشت گردیده‌اند ۱۸ نفر دیگر از اعضای سازمان مذکور در تهران و تبریز دستگیر شده‌اند که صورت اسامی آنان به شرح پیوست از عرض می‌گذرد.

در تحقیقات معموله از دو نفر افراد متواری دستگیر شده سازمان مزبور به اسامی عبدالله محسن و عبدالاحد خسروشاهی دانشجویان دانشگاه تبریز، عبدالله محسن اعتراف به قرار ملاقات خود با یکی از اعضای مؤثر سازمان مذکور و گرداننده بقایای این سازمان بنام احمد رضایی نموده که با انجام اقدامات لازم و پیش‌بینی‌های قبلی نامبرده در خیابان غفاری تهران مورد محاصره واقع و هنگامیکه مشارالیه پس از تیراندازی قصد فرار و پرتاب نارنجک بطرف مأمورین را داشته، در اثر منفجر شدن نارنجک در دستش بقتل رسیده و یکی دیگر از افراد سازمان مزبور که همراه وی بوده بنام زین‌العابدین حقانی دانشجوی سال چهارم مدرسه عالی بازرگانی تهران دستگیر گردیده است. همچنین روز ۵/۱۲/۵۰ یکی دیگر از اعضای این سازمان به نام علیرضا میرمحمد صادقی که قصد فرار از دست مأمورین داشته مورد

۱. از ردیف ۱۲ تا ۱۵ مستخرجه از بولتن ویژه، شماره ۶۹۸۵، تاریخ ۵۰/۸/۲۷ می‌باشد.

۲. مستخرجه از بولتن ویژه، شماره ۷۲۴۰، تاریخ ۵۰/۹/۸.

۳. بولتن ویژه، ش ۱۰۱۵۲، تاریخ ۵۰/۱۲/۱۰؛ با همان عنوان.

اصابت گلوله واقع و به قتل رسیده است.

ضمناً در اثر پیگیری‌های معموله روز ۵۰/۱۲/۸ نیز یکی دیگر از اعضای متواری و مؤثر سازمان موصوف به نام کامران نخعی دانشجوی سال پنجم دانشکده پزشکی دانشگاه تهران دستگیر گردیده است که تحقیقات از نامبرده به منظور دستگیری سایر اعضای سازمان مورد بحث ادامه دارد. در اثر کاوش‌هایی که از سه منزل امن کشف شده متعلق به افراد دستگیر شده این سازمان در تهران و تبریز بعمل آمده مقداری مدارک و مواد آتشزا بدست آمده که ضبط گردیده است.

صورت اسامی دستگیرشدگان

ردیف	نام شهرت	شغل
۱	زین‌العابدین حقانی	دانشجوی سال چهارم مدرسه عالی بازرگانی
۲	عبدالاحد خسروشاهی	دانشجوی سال سوم دانشکده فنی دانشگاه تبریز
۳	عبدالله محسن	دانشجوی سال چهارم دانشکده فنی دانشگاه تبریز
۴	علی مستاجر	دانشجوی دانشکده فنی دانشگاه تبریز
۵	غلامرضا اخلاقی‌کرمانی	دانشجوی هنرسرای عالی نارمک [= علم و صنعت]
۶	سعید کاردان	دانشجوی دانشکده فنی دانشگاه تبریز
۷	حسن واحدی داش‌آتان	محصل سال پنجم طبیعی در شهرستان تبریز
۸	محمد رضا فائزی	مهندس راه و ساختمان
۹	عادل یکتا	محصل سال ششم ریاضی [تبریز]
۱۰	عبدالرضا کریم‌زاده‌الباقچی	دانشجوی سال دوم فیزیک دانشگاه تبریز
۱۱	عزت فرج‌زاده بی‌پالان	دانشجوی سال چهارم منابع طبیعی [تبریز]
۱۲	محمد باقر باقری نژادان	دانشجوی سال چهارم علوم تربیتی دانشگاه تبریز
۱۳	کامران نخعی	دانشجوی سال پنجم دانشکده پزشکی دانشگاه تهران
۱۴	قدرت‌الله نورآذری	کارمند بیمه‌های اجتماعی شهرستان تبریز
۱۵	قربانعلی نژاد دهقان	دانشجوی سال پنجم دانشکده پزشکی دانشگاه تهران
۱۶	محمد رضا میرمحمد صادقی	دانشجوی سال سوم دانشگاه صنعتی آریامهر
۱۷	محمد مسعودی	دانشجوی سال پنجم دانشکده پزشکی دانشگاه تهران
۱۸	محمد رضا خیاط‌نیک‌نام	دانشجوی سال چهارم دانشکده فنی دانشگاه تبریز

□ عناصر متواری و مخفی: متن گزارش^۱

در مرداد ماه سال ۱۳۵۰ شبکه وسیعی از عناصر افراطی مذهبی، که وابسته به جمعیت به اصطلاح نهضت آزادی بودند، به وسیله ساواک کشف و اعضای آن شناسایی و از اول شهریور ماه همان سال اقدام به دستگیری این گروه گردید.

نتیجه اقدامات و پیگیری‌های عملیاتی، تا دی ماه سال ۵۰، دستگیری جمعاً ۱۴۳ نفر از اعضای این گروه توسط ساواک بود.

متعاقب تشکیل «کمیته مشترک ضد خرابکاری»، متشکل از مأمورین ساواک و شهرداری کل کشور، تا تاریخ ۵۱/۷/۳۰، جمعاً ۷۴ نفر نیز از اعضای گروه مذکور توسط کمیته اخیر دستگیر [شده] و یا به قتل رسیده‌اند.

بر اساس سوابق و اطلاعات موجود در ساواک و اقراریه متهمین دستگیر شده، تعدادی از اعضای گروه مورد بحث شناسایی شده‌اند که از خانه و محل کار خود متواری [شده‌اند و]، هم‌اکنون به صورت اختفا و با رعایت اصول پنهان‌کاری به ارتباطات خود ادامه داده و فعالیت‌های پنهانی می‌نمایند؛ که فهرست اسامی این عناصر، تا جایی که مورد شناسایی قرار گرفته‌اند، به ضمیمه از لحاظ مبارک می‌گذرد.

توضیحاً به استحضار می‌رساند که چهار نفر از این عده با نام مستعار و مشخصات غیرواقعی شناخته شده‌اند که اقدامات لازم برای تعیین هویت و دستگیری آنان در جریان است. ضمناً با تحقیقاتی که به عمل آمده، فردی که در جریان نصب بمب در نمایشگاه آسیایی به قتل رسید، شخصی به نام «محمد ایگه‌ای» بوده که به عنوان افسر وظیفه در پادگان کرمانشاه خدمت می‌کرده و از محل خدمت خود متواری [شده] و در تهران، با الحاق به گروه خرابکار موصوف، به سبب انفجار بمبی که خود نصب کرده بود به قتل رسید.

۱. بولتن ویژه، ش ۱۱۲/۸۷۵۵، تاریخ ۵۰/۸/۱؛ «درباره: عناصر شناخته شده متواری سازمان آزادی‌بخش ایران وابسته به جمعیت به اصطلاح نهضت آزادی».

اسامی اعضای متواری شناخته شده «سازمان آزادی بخش ایران»
وابسته به جمعیت به اصطلاح نهضت آزادی

ردیف	نام شهرت	شغل
۱	بهرام آرام	دانشجوی سال چهارم مدرسه شیمی دانشگاه آریامهر
۲	محمدحسن ابراری [جهرمی]	آموزگار و دانشجوی [حقوق] دانشگاه تهران
۳	حسین احمدی روحانی	مهندس کشاورزی
۴	محمد (آقا کوچک) نمازی	دانشجوی مدرسه عالی بازرگانی
۵	محمد اساسی	دانشجوی دانشکده فنی تهران
۶	رحمان (وحید) افراخته	دانشجوی دانشگاه آریامهر
۷	ناصر انتظارالمهدی	دانشجوی دانشگاه پهلوی شیراز
۸	محمدجواد پورسعیدی	پیشه‌ور در بازار
۹	عباس جوادی	بیکار
۱۰	مرتضی [تراب] حق شناس	آموزگار [= دبیر زبان در صومعه سرا]
۱۱	احمد حصارى	فارغ التحصیل دانشکده نفت آبادان
۱۲	محمد حاج شفیعیها	دانشجوی پلی تکنیک
۱۳	حسین خوشرو	مهندس کشاورزی
۱۴	رضا رضایی	دانشجوی دندانپزشکی [تهران]
۱۵	احمد ریاضی فیضی	دانشجوی دانشگاه صنعتی آریامهر
۱۶	عبدالله زرین کفش	دانشجوی دانشکده فنی تبریز
۱۷	مجید شریف واقفی	ستوان دوم وظیفه [= فارغ التحصیل دانشگاه صنعتی]
۱۸	سعید شاهسوندی	دانشجوی دانشگاه پهلوی شیراز
۱۹	محسن فاضل	دانشجوی دانشگاه صنعتی آریامهر
۲۰	عباس جاودانی	دانشجوی علوم دانشگاه مشهد
۲۱	ابراهیم محمدزاده	دانشجوی هنرهای عالی نارمک [= علم و صنعت]
۲۲	رحمت الله نادعلی جلوخانی	کارمند برق اصفهان
۲۳	محسن نجات حسینی	دانشجوی دانشکده فنی تهران

ردیف	نام شهرت	شغل
۲۴	هاشم وثیق پور	فارغ التحصیل دانشکده پلی تکنیک تهران
۲۵	محمد یقینی	فارغ التحصیل مدرسه عالی بازرگانی
۲۶	محمد یزدان‌بان	دانشجوی دانشگاه صنعتی آریامهر
۲۷	احمد هاشمیان	دانشجوی هنرهای عالی نارمک [= علم و صنعت]
۲۸	فریبرز لبافی نژاد	دانشجوی دانشگاه صنعتی آریامهر
۲۹	حسین حاج علی اکبر	مکانیک
۳۰	محمد خانعلی	کارگر
۳۱	عزت شاهی	کارگر صحاف
۳۲	علیرضا سپاسی آشتیانی	دانشجوی دانشکده فنی تهران
۳۳	رضا مهدوی	دیپلمه بیکار
۳۴	عباس پاک‌ایمان	دانشجوی مؤسسه حسابداری [شرکت نفت]
۳۵	محمود طریق الاسلامی	دانشجوی دانشگاه تهران
۳۶	محمد عالم‌زاده	دانشجوی دانشگاه صنعتی آریامهر
۳۷	محمد تهرانی	دیپلمه بیکار
۳۸	حسین کرمانشاهی اصل	دانشجوی مدرسه عالی حسابداری
۳۹	جلال‌الدین فارسی	آموزگار در بیروت
۴۰	تقی شامخی	دانشجوی ایرانی مقیم فرانسه
۴۱	دکتر مصطفی چمران ساوه‌ای	دبیر دبیرستان در بیروت
۴۲	صادق قطب‌زاده	دانشجوی ایرانی مقیم فرانسه
۴۳	مالک	اسم مستعار
۴۴	کمیل	اسم مستعار
۴۵	عباس	اسم مستعار
۴۶	سید	اسم مستعار